



منبر مکتوب ویژه اربعین

اربعین ما را کجا می برد؟!

@Hawzah_Panahian

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجلس شورای اسلامی ایران



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید
کاری از مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه

اربعین جهانی شد و جهانی تر هم خواهد شد.

تهران انقلاب اسلامی ۱۳۹۸/۰۶/۲۷



KHAMENEI.IR

فهرست

- ۵ گفتار اول: «جهانی کردن نام و یاد امام حسین (علیه السلام)»
- ۲۲ گفتار دوم: «اربعین؛ آغازی برای پایان تمدن غرب»
- ۴۳ گفتار سوم: «گوهر مرکزی اربعین»
- ۵۸ گفتار چهارم: «اربعین؛ زندگی به سبک عصر ظهور»
- ۷۴ گفتار پنجم: «مقاومت، شعار زیارت اربعین ما»

• گفتار اول: «جهانی کردن نام و یاد امام
حسین علیه السلام»

« اربعین سیر طبیعی دسته‌ای عزاداری تا جهانی شدن »

ما در شرایطی قرار داریم که باید یک عزمی داشته باشیم برای اینکه امام حسین مان را جهانی کنیم، برای این باید خرج کنیم، دیگر خرج در محله و روضه خانگی و این‌ها صرفاً کفایت نمی‌کند، نه اینکه بخواهیم روضه‌های خانگی را نفی کنیم بلکه الان طبعیت سیر و رشد عزاداری‌های شده اربعین، سرریز همه مجالس عزاداری شده است اربعین. آن همایش عظیمی که شخص ابا عبدالله الحسین علیه السلام دل‌ها را هدایت کردند، هیچ قدرت تبلیغاتی‌ای، هیچ نهادی، این کار را نکرده. خود مردم خونگرم عراق، واقعاً دل‌هایشان را امام حسین علیه السلام هدایت کرد، آن سال‌های اول، می‌دیدیم برخی از اساتید حوزه می‌گفتند: چه شده است؟ این مردم چه اتفاقی برایشان افتاده است؟ یعنی می‌خواهم بگویم در عراق هم، تبلیغاتی نبود که مردم بیایند... در ایران هم همینطور و این



پیاده روی اربعین که باب شد، هیچ کسی برنامه ریزی نکرد که در شهرها هم شروع کنند به حرکت، آثارش تا نیجیریه رفت. کسانی که در جریان هستند می دانند اربعین را، خود امام حسین علیه السلام عنایت کردند و انگار با دل ها تماس گرفتند. همیشه در مسائل معنوی، یک حرکتی از جانب خدا و اولیاء خدا صورت می گیرد، یک هدایتی صورت می گیرد بعد ما هستیم که باید با تلاش و معرفت، آن را ادامه دهیم. در مورد توبه، اول خدا توبه می کند، به دل بنده اش می اندازد که بیاید و بعد بنده است که با آن توبه و رعایت پس از آن، توبه را ادامه می دهد و پاکی را به دست می گیرد.

« ما باید جامعه ای برای الگو شدن برای جهان بسازیم »

امروز ما در معرض دیدگان جهان هستیم، ما جامعه ای برای الگو شدن برای جهان، باید بسازیم. ما باید انقدر حرکت مان درست باشد، حرکت اجتماعی مان طبیعتاً، حالا فرد که نمی تواند جهان را تغییر دهد. شما اگر بخواهید بگویید: این دین ما حق است! اول باید در پیاده سازی آن، در جامعه موفق شوید.

می فرماید: « وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً؛ شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم (هم دنیا هم آخرت را دارید و هیچ کدام را رها نکردید) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است. » (بقره، ۱۴۳) شما شاهد بر مردم هستید یعنی الگوی مردم جهان هستید. مقام معظم رهبری می فرماید: « هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد؛ «لتكونوا شهداء على الناس». (۱) آن چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه ی عالم باشید؛ بر همه ی

روشه‌ها، بر همه‌ی تمدن‌ها و مدنیت‌ها.» (۱۱/۰۸/۱۳۷۹)

شهید بهشتی، هم می‌فرمودند: «بهترین کار برای نزدیک‌تر شدن به ظهور، این است که شما، یک جامعه‌ی نمونه درست کنید، به جهان ارائه کنید!» این افق جهانی‌ای که ایشان داشت، البته ایشان سال‌ها آلمان بودند طبیعی بود که جهان‌نگر باشند.

« چگونه با اربعین دین را جهانی کنیم؟ »

این جهان‌نگری، این جهان‌گرایی، در نگاه ما به دین، باید جاری باشد. اگر این گونه باشد، به اربعین، هزار برابر اهمیت می‌دهیم، چون آنجا زمان جهانی شدن ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) است. قبلاً اوج عزاداری‌هایمان، عاشورا، تاسوعا بود، راه دیگری نداشتیم جز اینکه در محله‌ی خودمان، فریاد یا حسین سر دهیم، حالا عاشورا تاسوعا در محله‌ی خودمان، هر چقدر اوج بگیرد عالی، ولی اربعین چیز دیگری است! آنجا اندازه‌ها جهانی است. شما کجا و کی می‌توانی دین را جهانی معرفی کنی جز در اربعین؟! از همین الآن، حاجت‌مان این است که اولاً ما خودمان اربعین بیاییم، ثانیاً اربعینی رفتار کنیم، دیگران را اربعینی کنیم، دیگران را به اربعین سوق دهیم، بتوانیم به اربعین خدمت کنیم.

« ما اگر نگاه‌مان به دین، نگاه جهانی نباشد، نگاه امام زمانی نداریم »

ما اگر نگاه‌مان به دین، نگاه جهانی نباشد، نگاه امام زمانی نداریم. امام زمان (ارواحنا له الفداه) نمی‌آید برای گروه شیعیان، نمی‌آید برای گروه مسلمانان، هر چند با عظمت هم هستند



مسلمانان تعدادشان. شیعیان هم با عظمت و قدرتمند هستند. می آید برای جهان، «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه، ۳۳). اگر کسی، نگاهی به ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) جهانی باشد، در زیارت عاشورا، دو مرتبه از خدا تقاضا می کند خدایا مرا پای رکاب امام زمان حاضر کن، برای انتقام خون حسین (علیه السلام) و مرا آماده کن، مرا توفیق بده، بروم انتقام خون ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)... انتقام بگیرم برای ابا عبدالله الحسین، یعنی کل زمین را از ظلم پاک کنم، یعنی این! دیگر ظهور حضرت بقية الله الأعظم، مانند ظهور یا بعثت پیغمبر اکرم نیست. پیغمبر اکرم، مأموریت شان جهانی بود، دین شان هم تا قیامت، جاودانه است ولی قلمرو نفوذشان در شبه جزیره حجاز باقی ماند و بعد حالا یک گسترشی پیدا کرد، درباره آن نمی خواهیم صحبت کنیم. ولی این دین، بنایش این است که جهانی شود.

شما الآن فکر کنید، مردم اسپانیا، مردم ایتالیا، مردم هند، مردم ژاپن، مردم آمریکای لاتین، با این همه تفاوت فرهنگ، با این همه مسائل مختلف، چطوری می خواهیم با دین ما آشنا شوند؟ از کجا می خواهند شروع کنند؟ مگر ما نمی گوییم منتظر حضرت باشیم؟ منتظر بی کار؟ منتظر بی عار؟ اینکه نمی شود باید یک فکری کنیم.

شما می خواهید جهان را اداره کنید. پس باید به عرصه های مختلف، ورود کنیم. فرمانداران جهان، اکثراً ایرانی هستند در زمان ظهور، ما باید این ها را تربیت کنیم نمی شود یک نفر، شما تربیت کنید، این یک نفرهایی که در واقع، پای رکاب حضرت هستند، قله

هستند که پر دامنه هستند آن را می پذیرد. تک آدم خوب، همیشه در طول تاریخ بوده، با این ظهور اتفاق نمی افتد.

مثلاً سردار سلیمانی، برای ما تک آدم خوب نیست، دامنه دارد این دامنه، آن شهدای مدافع حرم، شهید حججی ها، شهدای دیگری که حالا اسم می خواهیم ببریم زیاد هستند. شهید چمران، واقعاً یک قله است ولی دامنه دارد، شهدای زیادی هستند. شهید ابراهیم هادی ها، کم نیستند در این دامنه.

ما وقتی می خواهیم فرماندارانی را به حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء، معرفی کنیم، «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه، ۳۳) باید چه کار کنیم؟ باید این قله ها، این فرمانداران ظهور حضرت، دامنه داشته باشند. دامنه یعنی یک فرهنگی در جامعه، بسط پیدا کرده باشد به این منظور. باید یک وضعیتی باشد که در میان جامعه، این باور، عمیق باشد. ما نمی توانیم جامعه مان را، جامعه ای باشد که از جهانی شدن دین، فرار می کند یا اصلاً در این باره فکر نمی کند، بعد بخواهیم از ظهور امام زمان ارواحنا له الفداء، صحبت کنیم. به خدا قسم! قسم می خورم اگر ما ظهور را در پس ذهن مان نداشتیم، اگر انتظار فرج را در ته قلب مان به آن امید نداشتیم، در روضه های تاسوعا، عاشورا دق می کردیم. یعنی کسی برایمان روضه می خواند، مثل انسان های ماتم زده و شکست خورده نابود می شدیم.

« گام اول این است که این دین را، امر جهانی بدانیم »

حالا ما باید چه کار کنیم؟ گام اول این است که این دین را، امر جهانی بدانیم. قدم برداریم، ببخشید ما خودمان چطوری دیندار شدیم؟ با امام حسین (علیه السلام). پس مردم جهان را

می توانیم با امام حسین علیه السلام با دین آشنا کنیم. شما نمی توانید خیلی از پیچیدگی های حیات امیرالمؤمنین را به این سادگی با مردم جهان، در میان بگذارید. ما البته خودمان هم اگر علی شناس شدیم، امیرالمؤمنین شناس شدیم، علیه آلاف و التحية و الثناء، صدقه سر ابا عبدالله الحسین است، امام حسین علیه السلام دست ما را گرفته، ما را با مادرشان فاطمه زهرا (سلام الله علیها) آشنا کردند، ما را با پدرشان امیرالمؤمنین علیه السلام آشنا کردند. ما که خودمان با امام حسین دیندار شدیم این تحلیل هزار و چهار صد ساله حضرت امام هست. می فرماید: هزار و چهار صد سال است، اسلام با روضه ها حفظ شده است. البته فرمودند: با منبرها و روضه ها، بعد فرمودند: منبرها را هم، روضه ها حفظ کرده است که بعد منبری ها دور برندارند بگویند: نه، اگر ما نبودیم روضه تنهایی کافی نبود. اصلاً روضه، اجازه منبر داده، فرصت به منبر و اندیشیدن به منبر داده و حکمتی در شنوندگان در سخنان اهل بیت، در مجالس اهل بیت ایجاد کرده است.

عرض بنده این است که به دین جهانی فکر کنیم، به ظهور امام زمان فکر کنیم، همانطور که در زیارت عاشورا هست و ظهور امام زمان علیه السلام یعنی این صحنه ارادت به ابا عبدالله الحسین، در کل جهان. اخیراً هم دارد شروع می شود، روضه ها و نوحه هایی به زبان اسپانیولی، به زبان انگلیسی، که بیشتر بود و اینکه در لندن، اخیراً مسئول موزه حرم امام حسین علیه السلام می گفت، قطعه ای از ضریح قدیمی ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)، را لندن بردند بعد آنجا توضیح می داد که در کدام خیابان و چقدر جمعیت آمد و غربی ها



چه عکس العملی داشتند. تازه این ها آغاز ماجراست. دارند اربعین را سانسور می کنند.

« چرا اربعین را در جهان سانسور می کنند؟ »

یکی از مستندسازان غربی را، دعوت کردند برای گفتگو به او گفته بودند که شما می توانید اربعین را در رسانه های خودتان منتشر کنید؟ گفت: نه، نمی گذارند! گفتند: چرا؟ گفت: اگر اربعین پخش شود، تمدن غرب، سقوط می کند. پرسیده بودند: چرا؟ چه ربطی به تمدن دارد؟ آقا این همه مراسم این طرف و آن طرف دنیا...؛ این چرا ساقط می کند؟ می گفت: تمدن غرب، مبتنی بر این است که از منفعتی که می بری لذت ببری، اینجا بر عکس است، فداکاری می کنند، ایثار می کنند لذت می برند. مردم دنیا اگر بدانند یک چنین لذتی هست، دست از آن لذت بر می دارند. می گفت: من آنجا دیدم، از اینکه غذا می دهد، بیشتر لذت می دهد تا اینکه بخواهد یک سودی ببرد.

بعد آن مستندساز مطرح جهانی، گفت: اگر این در غرب پخش شود، مردم می فهمند که یک لذت دیگری هست بیشتر از این، بعد دست از منفعت طلبی بر می دارند و تمدن غرب سقوط می کند.

« هر کسی سینه می زند برای امام حسین، مسئول است امام حسین را جهانی کند »

هر کسی سینه می زند برای امام حسین، مسئول است امام حسین را جهانی کند، بگذار بی رو در بایستی صحبت کنیم. نمی شود ما بگوییم که امام حسین علیه السلام، ما به برخی از اهداف شما توجه داریم

حالا بقیه آن برای ما مهم نیست. نمی شود! آدم وقتی که رفت و مرید امام حسین شد، باید بگوید: آقا شما چه می خواهید؟! آب اگر می خواهید من بروم خودم را هلاک کنم، آب برسانم. الآن موضوع آب رسانی به امام حسین که نیست، آب می رساند به زائر امام حسین. حضرت ابوالفضل هم نرفت فقط آب برای خیمه بیاورد، این آب اگر می رسید، جهان را سیراب می کرد. برای دشمن، برای ابلیسیان، خیلی مهم شده بود آب به خیمه نرسد!

« چرا مقام حضرت عباس علیه السلام آنقدر بالاست؟ »

ابالفضل العباس، چرا آنقدر مقامش بالاست؟ که شهدای کربلا و در کل شهدا، به او غبطه می خورند؟ چرا؟ چه فرقی هست؟ همه شهید شدند، همه شمشیر خوردند، همه نیزه خوردند، همه دوست داشتند امام حسین....

به خاطر قد و قامت رشید ابوالفضل العباس که نبوده، خدا که اینگونه محاسبه نمی کند به خاطر چشمان زیبای قمر بنی هاشم، که واقعاً قمر بنی هاشم بودند. خب خدا که ما می دانیم در دستگاه محاسبه اش این ها نیست، به خاطر معرفت و نیت بلندش است، این چه نیت بلندی بوده که ابالفضل داشته که احتمالاً دیگران در این سطح نمی اندیشیدند، شک نکنیم نیت ابالفضل العباس، در سطح «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه، ۳۳) بوده که اگر آب می رسید، که آن حالا آب رساندن را باید نمادی بدانیم از اینکه اراده او، میل او، برای این بود که آب به تشنگان جهان برساند. آن سطح تفکرش، جهانی است که مقامش بالاتر از بقیه است. هر کسی جهانی تر شد روضه های همین محرمش هم بهتر قبول

می شود پاداش بیشتری می دهند. بین گریه کنان امام حسین هم فرق هست، با احترامی که می گذاریم، چطور بین شهدای کربلا فرق هست، بین گریه کنان فرق نباشد؟ فرق هست.

در یک نقلی هست، ابا عبدالله الحسین و یاران شان، هر لحظه به عصر عاشورا نزدیک تر می شدند و به شهادت، چهره شان بر افروخته تر می شدند و شاداب تر می شدند در اوج سختی. بعد این نقل آمده که همه این گونه نبودند ابا عبدالله الحسین، با یاران خاص شان این گونه بودند. بالأخره تفاوت مقام، در سخن صریح امام زین العابدین علیه السلام هست.

ما فکر کنیم، آیا در آیات و روایات، مقام چطوری توزیع می شود؟ به خاطر عقل، به خاطر معرفت، به خاطر نیت، یک عمل ارزش بالاتری پیدا می کند. در مرحله عقلانیت و در مرحله معرفت، ابوالفضل العباس علیه السلام ایشان چه چیزی می توانستند داشته باشند که دیگران در این سطح لااقل نبوده همت شان، لابد به این جهانی بودن می اندیشیدند، لابد او در انگیزه هایش بود که جهان را از جهل نجات دهد. این روح بزرگ ابوالفضل العباس هست که آن مقام بزرگ را به ایشان می دهد و الا جسم که، همه جسم بالأخره دارند و شهید می شوند و غیره.

حالا ما عزادارها چه؟ اگر بخواهیم ابوالفضلی باشیم، باید به جهانی بودن دین فکر کنیم، به جهانی شدن امام حسین علیه السلام فکر کنیم. حالا آقا چرا برویم سراغ امام حسین برای جهانی کردن دین؟ برویم سراغ قرآن مثلاً، ما قرآن را جهانی کنیم. خوب است حالا هر کسی، هر کاری می تواند انجام دهد ولی ما که می دانیم امام

حسین مؤثرتر است، نافذتر است. ما که خودمان مسلمان بودیم، امام حسین دست ما را گرفت، فرهنگ ما نزدیک تر است به دین، امام حسین دست ما را گرفت و ما را برد سر سفره چهارده معصوم نشانده، ما را برد سر سفره حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله و سلم) نشانده. مردم جهان هم همین گونه هستند.

« نقش جوانان در جهانی سازی اربعین و امام حسین علیه السلام »

مردم به قول شهید سید محمد باقر صدر، این علامه بزرگوار و نابغه، فرمود: مردم اهل محسوسات هستند، اهل چیزهایی هستند که حس کنند و باید با عموم مردم، از دین این گونه سخن گفت و حماسه عاشورا، حس را تحریک می کند، قصه دارد، ملموس است. البته حالا خود شهید صدر، به ویژه خواهر بزرگوار ایشان، بنت الهدی، یکی از عوامل شهادت شان سر اربعین بود. که وقتی شهید صدر را دستگیر می کنند بنت الهدی، آن زن با عظمت تاریخ اسلام، که چه کرد در عراق، اربعین را ایشان در آخرین باری که اربعین در زمان صدام ملعون، رونق گرفت و جنبه انقلابی پیدا کرد، کار این بزرگوار بود و مردم را با اربعین آورد پای جریان انقلابی شهید صدر و بعد هر دو بزرگوار به شهادت رسیدند.

جوان هایی که با فضای مجازی آشنا هستند، با زبان های مختلف آشنا هستند، این ها چه کار کنند؟ به فکر جهانی شدن امام حسین علیه السلام باشند، فقط برای خودت نرو محفل امام حسین، حال کن بیا بیرون. نوحه خوان های ما، نوحه ها و نغمه هایی داشته باشند به زبان های جهان، که او بفهمد! او متوجه شود که ماجرا چیست. چون ما می گوییم: امام ما را به شهادت رساندند، آب



مهریه حضرت زهرا بود و غیره. کسی که آن طرف است این چیزها را ممکن است نفهمد، امامت چیست؟ حضرت زهرا مادر ایشان، مهریه آب و غیره اصلاً ممکن است متوجه نباشد. می گوید: زبانی که او متوجه شود.

« چگونه پیام امام حسین علیه السلام را جهانی کنیم؟ ۱. عواطف و عشق حسینی

حالا درباره ابا عبدالله الحسین و قصه او، چه موضوعی هست که ما می توانیم با آن محتوا، با آن موضوع، ابا عبدالله الحسین علیه السلام را جهانی کنیم؟ مثلاً ما می گوییم که امام حسین علیه السلام ضد ظلم قیام کرد، قیام ضد ظلم، یک پیام جهانی دارد، اخیراً هم خیلی گفته می شود که آزادگان عالم، همه مرید ابا عبدالله الحسین علیه السلام هستند ولی جهان که همه آزاده نیستند.

الآن مردم اروپا، خیلی از آن ها واقعاً آزاده نیستند چرا؟ اگر آزاده بودند نمی گذاشتند دولت هایشان از رژیم صهیونیستی حمایت کند، همه که آزاده نیستند یا حوصله عدالت خواهی و ظلم ستیزی ندارند، خیلی ها را می بینیم که چطوری هستند، سرشان به کار خودشان و زندگی خودشان است.

پس این بعد ظلم ستیزی ابا عبدالله الحسین، برای یک بخشی از مردم عالم اثر دار؛ اصلاً بعضی ها تربیت شدند امروز در جهان، که برو در لاک خودت، برو منافع خودت را در نظر بگیر، چه کار به بقیه داری؟ نابود شدند، نابود شدند. خیلی از مردم جهان این گونه هستند ولی یک نکته دیگری هست که جنبه فراگیرتری دارد.

یکی: جنبه عاطفی عاشورا، مردم با عاطفه، سر و کار دارند،



مردم خانواده را هنوز می فهمند چیست. عشق حضرت رباب به ابا عبدالله الحسین، علاقه ابا عبدالله الحسین به حضرت رباب، علی اصغرشان، بعد این اسارت بچه ها، سه ساله ابا عبدالله الحسین، یعنی ببینید جنبه های عاطفی که با خود ما کار کرده، ما الآن سر سفره آماده نشستیم.

ما با جنبه های عاطفی ابا عبدالله الحسین، مردم جهان را آشنا کنیم، بعد امام حسین هم قصه اش به نوعی است که اشک هر آدم سالمی را در می آورد، چه مسیحی باشد چه نباشد، عجیب است یعنی این یک راز است. مثلاً این گونه امام حسین را جهانی معرفی کنیم. ببینید مثلاً بیاییم این گونه بگوییم، ابا عبدالله الحسین، یگانه معشوقی است واقعی، نه اسطوره ای، در جهان و تاریخ بشریت، که این تعداد میلیون یا میلیارد شعر عاشقانه در مورد او سروده شده و این مقدار در محبت او، اشک ریختند. مردم جهان! حالا من عددش را نمی دانم، می شود محاسبه کنند کسانی که دست اندر کار هستند. واقعاً چه کسی است که انقدر دوستش دارند؟! می آیند تماشا می کنند، تا بشناسند. آغاز ماجراست!

شما ببینید ترانه های عالم مگر همه عدالت خواهانه و ظلم ستیزانه است؟ عشق و مضامین عاطفی کار می کنند، ما می خواهیم او را بیدار کنیم که می گوید: به من چه جای دیگر عالم دارند کشتار می کنند. به من چه حالا شما امام تان ظلم ستیز بوده. پس یکی جنبه عاطفی قصه ابا عبدالله الحسین برای جهانی شدن است. مثلاً جوان های عالم هستند، ما حماسه سرایی هایی که در مورد جوان های سیزده تا هجده ساله کربلا داریم، از قاسم بن الحسن

تا علی اکبر. مضامین عالی است که چگونه می شود این ها را منتشر کرد. بحث های عاطفی، خانوادگی، حضرت علی اصغر، مادر گرامی با عظمت شان حضرت رباب، این ها حرف هایی هست که می شود در جهان، خیلی عالی زد.

« عزت حسینی راه دوم جهانی شدن اباعبدالله الحسین علیہ السلام »

موضوع دیگری که در کربلاست و می تواند به ما خیلی کمک کند برای جهانی شدن ابا عبدالله الحسین، موضوع عزت است. ابا عبدالله الحسین، حماسه عاشورا را برای حفظ عزت خود، به پا کردند، فرمود: «هیئات من الذله»! من زیر بار ذلت نمی روم! ولو جانم را بگیرید! ببینید قیام ابا عبدالله الحسین، برای مبارزه با ظلم بود، ولی جلوی حضرت را گرفتند گفتند: یار ندارید! آقا گفتند: خب باشد، بر می گردم. گفتند: نمی شود برگردید. فرمود: خب جای دیگری می روم، می گفتند: نه، نمی شود بروید. خب کوفه بروم که آن ها دعوت کردند، نه! در کوفه هم خبری نیست. حضرت فرمودند: حالا چه هست؟ حرف تان چه هست؟ گفتند: اینجا ما باید مثل عبد ذلیلی، تو را باید وادار به بیعت کنیم و الا سرتان را می برم. فرمود: من که تن به ذلت نمی دهم، عاشورا موضوع شعار ابا عبدالله الحسین «هیئات من الذله» است.

«هیئات من الذله» یک شعار جهانی است چطور؟ تمام این بحث های آزادی و حقوق بشر و این حرف ها، به خاطر کرامت انسان است، ما شهید دادیم برای کرامت انسان، ما علمدار کرامت انسان هستیم. این یک حرف جهانی است. مردم هر کجای عالم،

نفس می کشید برای حقوق بشر، شما باید مرید ابا عبدالله الحسین باشید. برای آزادی، برای دموکراسی، این ها همه حول کرامت انسان است.

کرامت انسان را ما عربی اش را داریم می گوئیم، آن ها ممکن است عبارت های دیگری به کار ببرند. عزت، این عزت مندی خیلی مهم است در روان شناسی چقدر در این مورد بحث می شود، اگر کسی احساس عزت نکند، این هر جنایتی از او سر می زند، چه چالش هایی، چه بحران هایی، چه گرفتاری هایی!

مردم اصلاً در فیلم های سینمایی دنیا، هنوز هم که هنوز است این گونه است دو موضوع هست، که خیلی جذاب است در هر کارکتری، در هر شخصیتی باشد، یکی بحث عاطفه و محبت و عشق است، یکی بحث عزتمندی است. شما در داستان گلا دیاتور مثلاً آن فیلم سینمایی مشهور، یا بعضی از فیلم های دیگر می بینید، وقتی که طرف یک احساس عزتی دارد، همه تحسینش می کنند، فیلم را می بینند و تکرار می کنند مثل یک موسیقی که می خواهند بشنوند، می گویند: یک انسان عزتمند دیدم!

« عزاداری ها را از حصر خانگی در آوریم »

پس کرامت انسان، که پیام اصلی عاشورای ابا عبدالله الحسین است، دومین مؤلفه ای است که می شود برای جهانی سازی حسین علیه السلام استفاده کرد. پس ما عزاداران ابا عبدالله الحسین، نیاییم امام حسین را به نوعی محاصره کنیم، که کسی خبردار نشود اینجا چه خبر است، یک نوعی بیاییم عزاداری کنیم برای ابا عبدالله الحسین، که همه جهان خبردار شوند. متأسفانه بعد



از انقلاب، یک اتفاقی افتاده نمی دانم دلیلش، دلیل خوبی بوده. دلیلش یک مقداری منبرها بوده که مردم دوست دارند در هیئت ها، یک بحث خوبی هم بشنوند نکته خوبی است، یکی هم این است که می خواهند مفصل گریه کنند، دسته های عزاداری بی رونق شده! حسینه ها، مساجد محصور، چرا این اتفاق افتاده؟ نباید این باشد، یک مقداری از عشق مان بزنیم، بیاییم دسته راه بیاندازیم در خیابان...

آیت الله العظمی بروجردی می آمد خاک زیر پای عزادار امام حسین، دسته عزا! نه زائر امام حسین در راه کربلا، اربعین که فوق العاده است. دسته عزاداری چرا کم رونق شده؟ بعضی از جلسات مشهور هستند دسته عزا نمی اندازند، شما دسته عزا راه بیاندازید، صد هزار نفر می آید، شاید خیابان های ما گنجایش نداشته باشد، یعنی باید یک فکری برای این کرد. این میدان امام حسین علیه السلام من آرزو دارم، کم کم دارد این وضعیت پیش می آید، زیاد هم گنجایش ندارد، مگر چند تا دسته می تواند در میدان امام حسین، روز تاسوعا، روز عاشورا، دائماً دسته ها بیایند دور بزنند، یک نمایشگاهی از ابراز ارادت به ابا عبدالله الحسین است!

اصلاً خارجی ها خیلی ها هستند رویشان نمی شود هیئت بروند، این ها بیایند دسته های عزاداری را ببینند، حالا نمی خواهد انقدر عشق سخنرانی و عشق گریه عاشقانه در محفل های در بسته باشیم، آن هم خوب است لا اقل عاشورا و تاسوعا، این کار را بکنیم، برویم در محیط باز عزاداری کنیم، نشان دهیم، بگذرایم مردم ببینند، مردم ما خوب هستند آن غیر هیئتی هایشان هم خوب

هستند گاهی باصفا تر هستند. آن ها می آیند از دور این دسته
عزاداری را نگاه می کنند اشک می ریزند.

• گفتار دوم: «اربعین؛ آغازی برای پایان تمدن
غرب»



« دلی که در اربعین جا ماند

یک نفر بعد از یکی از جنگهای امیرالمومنین علیه السلام آمد پیش حضرت، گفت: «آقا خیلی دوست داشتم برادرم، پای رکاب شما بجنگد و این پیروزی شما را ببیند اما موفق نشد. حضرت فرمود: «أَهْوَى أَخِيكَ مَعَنَا؛ برادرت دلش می خواست با ما باشد؟» گفت: «بله! آقا» حضرت فرمود: «نه تنها برادر تو، بلکه آیندگانی که الان هم نیستند اگر دلشان می خواست در این جا باشند، با ما هستند.»^(۱)

من با این جمله امیرالمومنین علیه السلام کار دارم، (۱) ببینید امیرالمومنین علیه السلام، که علم اول و آخر نزد اوست. حضرت فرمود: «هزاران باب علم را

۱. «وَقَدْ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَدِدْتُ أَنْ أَخِي فَلَانًا كَانَ شَاهِدَنَا لِيَرَى مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَى أَعْدَائِكَ فَقَالَ لَهُ ع [عَلَيْ ع] أَهْوَى أَخِيكَ مَعَنَا فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ شَهِدْنَا وَلَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَشْرِنَا هَذَا [قَوْمًا] أَقْوَامًا فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲)



پیغمبر ﷺ به روی من گشود.»^(۱)، ۲) امیرالمومنین علیه السلام ی که فرمود: «من به راه های آسمان ها، آشناتر هستم، تا به راه های زمین.»^(۲) ۳) امیرالمومنین علیه السلام ی که به سینه خودش اشاره می کرد و می فرمود: «اینجا علم موج می زند.»^(۳) این علی عالم به علم اول و آخر یک سوال فنی می پرسد؛ می فرماید: «آیا برادرت دوست داشت، دلش می خواست با ما باشد؟» رفقا!

۱) کدامیک از شما دلتان می خواست الان در حرم امیرالمومنین علیه السلام باشید؟

۲) کدامیک از شما دلتان در اربعین جا مانده است؟
 ۳) کدامیک شما بی قرار اربعین هستید، گفتید یا اباعبدالله! ما هم دلمان می خواست اربعین بیایم پیش شما باشیم؟
 ۴) کدامیک از شما دلتان می خواست، قدم به قدم، عمود به عمود بروید به سمت کربلا؟

۵) به خدا قسم اگر از امیرالمومنین علیه السلام سوال کنید، آن رفقای که رفتند نجف! آی آنهایی که رفتند نجف، از امیرالمومنین علیه السلام این سوال را کنید: «یا امیرالمومنین علیه السلام! این بچه ها دلشان خیلی می خواست اربعین بیایند اما نشد آقا جان! اینها در حرم شما هستند؟» می دانید جواب حضرت چیست؟ «با ما هستند. تو حرم من علی هستند. این ها بچه های من هستند. اینها غریبه نیستند.»

۱. «فَتَحَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [فِي مَرْضِهِ] مِفْتَاحَ أَلْفِ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ، كُلُّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ» (سلیم، ج ۲، ص ۹۰)

۲. «سَلَوْنِي [عَمَّا سِئْتُمْ] قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَوَ اللَّهُ إِنِّي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِمَّنِي بِطُرُقِ الْأَرْضِ» (سلیم، ج ۲، ص ۷۱۲)

۳. «إِنْ هَاهُنَا لِعِلْمًا جَمًّا وَ أَوْمًا إِلَى صَدْرِهِ بَيِّدَهُ» (الغارات، ج ۱، ص ۹۰)

اربعینی ها! این قدر دل علی را آتش نزنید، به خدا امیرالمومنین علیه السلام بیشتر از شما دلش برای شما تنگ شده است. امیرالمومنین علیه السلام احساسی، امیرالمومنین علیه السلام ی که در فراق دوستان خودش بالای منبر به صورت خودش می زد و گریه می کرد.^۱

یکی از دوستان امیرالمومنین علیه السلام مریض شد، چند روزی نیامد پیش حضرت، می گوید: «روز جمعه قدری حالم خوب شد رفتم نماز جمعه، وسط خطبه های حضرت، حالم خراب شد»، حضرت بعد از نماز جمعه فرمودند: «فلانی! چرا به خودت می پیچیدی؟» اجازه می دهید از حضرت سوالی بپرسم: «یا علی! یعنی اینقدر هواس است به دوستان است؟» آن شخص می گوید: «قصه بیماری و حال بدم وسط نماز را به آقا گفتم، حضرت فرمود: «شما مریض بشوید ما مریض می شویم.» بعد فرمود: «شما دلتان می گیرد، دل ما هم می گیرد.» چه کسانی دلشان برای امیرالمومنین علیه السلام گرفته است؟ گفتم آقا این رابطه فقط مخصوص ما و شما هست حضرت فرمود: «نه مخصوص شما نیست بلکه شرق و غرب عالم هر مومنی

که باشد ما چنین ارتباطی با او داریم.»^۲ چه ارتباطات روحی بین

۱. «أَيْنَ عَمَّارٍ وَأَيْنَ ابْنِ التَّيَّهَانِ وَأَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ... ثُمَّ ضَرَبَ يَدَيْهِ إِلَى أَعْلَى لِحْيَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ فَأَطَالَ الْبُكَاءَ» (نهج البلاغه، خ ۱۸۲)

۲. «عَنْ زُمَيْلَةَ قَالَتْ: وَعِكَتْ وَعِكَاءٌ شَدِيداً فِي زَمَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَوَجَدْتُ مِنْ نَفْسِي خُفَةً فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَقُلْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ أَنْ أَفِيضَ عَلَى نَفْسِي مِنَ الْمَاءِ وَ أَصْلِي خَلْفَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَفَعَلْتُ ثُمَّ جِئْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَمَّا صَعِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ الْمُنْبَرِ عَادَ عَلَيَّ ذَلِكَ الْوَعْكَ فَلَمَّا انْصَرَفَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَدَخَلَ الْقَصْرَ دَخَلْتُ مَعَهُ فَقَالَ يَا زُمَيْلَةُ زَانَتْكَ وَأَنْتِ تَمْسِكِينَ بَعْضُكَ فِي بَعْضٍ فَقُلْتُ نَعَمْ وَقَصَصْتُ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ الَّتِي كُنْتُ فِيهَا وَالَّذِي حَمَلَنِي عَلَى الرَّغْبَةِ فِي الصَّلَاةِ خَلْفَهُ فَقَالَ يَا زُمَيْلَةُ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضًا يَمْرُضُهُ وَلَا يَحْزَنُ إِلَّا حَزَنًا يَحْزَنُهُ وَلَا يَدْعُو إِلَّا أَمْنًا لِدَعَائِهِ وَلَا يَسْكُتُ إِلَّا دَعْوًا لَهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا لِمَنْ مَعَكَ فِي الْقَصْرِ

امام و امت برقرار هست؟!

« دلتنگی امام، عامل بی قراری ما برای زیارت

ما چه خبر داریم از این عالم؟ اصلاً بگذارید؛ یک طور دیگر بگویم، (۱) دیدی چقدر بی قرار زیارت می شوی؟ (۲) دیدی چقدر بی قرار اربعین هستی؟ (۳) دیدی چقدر دلت، لک زده برای اربعین، می دانی دلیلش چی هست؟ (۱) امیرالمومنین علیه السلام، امام حسین علیه السلام دلش برای تو تنگ شده است. (۲) دل امام بگیرد، دل شما هم می گیرد. (۳) اگر می بینی بی قرار اربعین هستی، بی قرار نجف هستی، این بی قراری امام تو هست، به تو منتقل می شود. آرام نمی شوی.

راوی می گوید پیش امام صادق علیه السلام گفتم: «آقا گاهی بی جهت دلم می گیرد، بی جهت دلم شاد هست دلیلش چیست؟» حضرت چقدر دقیق جواب دادند فرمودند: «وقتی دل امامت می گیرد، دل تو هم می گیرد، وقتی دل امامت شاد هست، تو هم دل شادی؛ لَأَنَا إِذَا دَخَلَ عَلَيْنَا حُزْنٌ أَوْ سُورُورٌ كَانَ ذَلِكَ دَاخِلًا عَلَيْكُمْ»^(۱)

این آقا اصلاً بی جهت دلش گرفته بود حضرت به او فرمود: «به خاطر دل امامت هست. شادی و غم بی دلیل»، حالا که غم من و شما که دلیلش مشخص هست. بی قراریم برای زیارت، این بی

أَرَأَيْتَ مَنْ كَانَ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ قَالَ يَا رُمَيْلَةُ لَيْسَ بِيْغِيبَ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا. (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۵۹)

۱. «عن أبي بصير: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعِيَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي لَأَغْتَمُّ وَأَحْزَنُ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَعْرِفَ لِمَ ذَلِكَ سَبَبًا، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ ذَلِكَ الْحُزْنَ وَالْفَرَحَ يَصِلُ إِلَيْكُمْ مِنَّا؛ لَأَنَا إِذَا دَخَلَ عَلَيْنَا حُزْنٌ أَوْ سُورُورٌ كَانَ ذَلِكَ دَاخِلًا عَلَيْكُمْ، لَأَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»

(علل الشرائع، ج ۱، ص ۹۳)

قراری آیا دلیلی جز این دارد که دل امام حسین علیه السلام پَر پَر می زند. دل امیرالمومنین علیه السلام برای ما یک ذره شده؟ شما دلیل دیگری برای این بی قراری پیدا می کنید؟ خدایا! به دل حسینت رحم کن! بگذار بیایم کربلا! شاید این جمله خودخواهانه باشد ولی خدایا! اگر نگذاری ما برویم کربلا، هلاک می شود ابی عبدالله علیه السلام در دوری ما! اما این واقعیت هست.

« بی قراری برای اربعین، علامت سلامت جامعه

بی قراری برای اربعین در یک جامعه، علامت بسیاری از سلامتی های روحی و روانی هست. فرمود: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ ع وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ؛ خدا خیر کسی را بخواهد، به دلش می اندازد محبت امام حسین علیه السلام، جدای از محبت امام حسین علیه السلام، خدا خیر کسی را بخواهد، محبت زیارت حسین علیه السلام هم به دلش می اندازد»^(۱)

« راز قرآنی «دلم هوای حسین را کرده است»!

دل ها را خدا مدیریت میکند. دیدی می گویی: (۱) به دلم افتاده بروم زیارت، (۲) دلم لک زده برای زیارت، (۳) دلم هوای زیارت کرده « این ها، همان علائم سلامت یک جامعه هست. بگذار راز قرآنی دلم هوای حسین را کرده است، راز قرآنی اش را برایتان بگویم.

در قرآن کلمه ای داریم به نام «هوی» که در فارسی هم با تعبیری مثل «هوی و هوس» به کار می رود. قرآن می فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ

اتَّخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ»^۱ آیا نمی بینی که بعضی ها هوای نفس خود را خدای خودشان قرار داده اند! اینها هواپرست هستند.

«هوی» در روایات ما معمولاً معنای بدی دارد. هوی یعنی هوس؛ یعنی دوست داشتن چیزهایی که بی ارزش است. ولی در یک آیه قرآن، همین کلمه «هوی» معنای عجیبی پیدا کرده است، عالی ترین معنایی که می شود برای علاقه یک انسان تصور کرد، در این آیه قرآن، برای «هوی» در نظر گرفته شده است.

حضرت ابراهیم علیه السلام به درگار خدا عرضه می دارد: خدایا، من بعضی از فرزندانم (اسماعیل و مادرش) را در یک سرزمین بدون آب و علف، ساکن کردم «فَجَعَلْتُ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»^۲ خدایا دل های مردم را به سوی اینها علاقه مند کن! یعنی «خدایا کاری کن که مردم، هوای بچه های مرا کنند» جالب است که در اینجا نه از کلمه «حب» استفاده کرد، نه از کلمه «ود» استفاده کرد- که این هر دو، در آیات دیگر قرآن وجود دارد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: اینکه حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود «تهوی الیهم» یعنی تهوی الینا الینا.^۳ این دعای حضرت ابراهیم علیه السلام یعنی اینکه خدایا کاری کن دل های مردم به سوی اهل بیت علیهم السلام هوایی شود و هوای اهل بیت علیهم السلام به سرشان بزند.

آیه «فَجَعَلْتُ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»^۴ یعنی «خدایا دل های مردم را به سوی اهل بیت علیهم السلام هوایی کن!» هوی فقط

۱. جاثیه، ۲۳.

۲. ابراهیم، ۳۷.

۳. «...ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ فَقَالَ آلُ مُحَمَّدٍ آلُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ قَالَ إِنِّي أَنَا الْإِنْسَانُ» (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۴)

۴. ابراهیم، ۳۷. س



در یک مورد، خوب است و آن «هوایی شدن برای اهل بیت علیهم السلام» است. کما اینکه حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا می خواهد «هوای بچه های مرا به دل مردم بینداز» یعنی وقتی سراغ بچه های من می آیند «هوایی» بیایند، طوری که مردم بگویند «اینها انگار دیوانه شده اند!» البته درباره محبت اهل بیت علیهم السلام و خصوصاً درباره عشق حسین علیه السلام باید گفت: «هرکه دیوانه ز عشق تو نشد عاقل نیست، عاقل آن است که از عشق تو دیوانه شود»^۱

باید خیلی هوای این هوای حسین کردن و هوای اربعین کردن را داشته باشیم. یکی از نظریه پردازهای مطرح غرب، نظریه دارد با عنوان «میکروپولتیک میل ها و میکروفیزیک قدرت» می گوید: «برای پیروزی بر یک کشور باید «میل مردم» را تغییر دهیم. اگر میل مردم از شهادت طلبی، ایثار، جوانمردی و دهها عاملی که به عنوان فرهنگ شکل گرفته است به رفاه طلبی، غریزدگی و ... تغییر نیابد مانند این است که آب در هاون می کوبید. این میل ها هم تغییر نمیکنند مگر اینکه ارکان یک قدرت از آن حمایت کند.»

چقدر تلاش کردند، مبدا میل مردم به امام حسین علیه السلام را تغییر دهند، خیلی باید از میراث اجتماعی و فرهنگی خودمان بیشتر از پولی که در بانک ها داریم، حفاظت کنیم.

«خیلی حسین زحمت ما را کشیده است»

بنابراین بی قراری برای زیارت، علامت سلامت یک جامعه است و شما نمی دانم می دانید یا خیر؟ برای اینکه جامعه به این حد از رشد

۱. توضیحات آیه در بخش تهوی الینا، از استاد علیرضا پناهیان، مسیر نجف کربلا - عمود ۲۸۶ ارائه شد.



یافتگی برسد، چه زحماتی را اولیای خدا کشیدند؟ امام سجاد علیه السلام فرمودند: «در زمان ما در مکه و مدینه، بیست نفر نیستند که محب ما باشند.»^(۱) مکه و مدینه پیغمبر دیده، پیغمبری که آنقدر سفارش به محبت اهل بیتش می کرد. و خدا هم این محبت را واجب کرد فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^(۲)

اولیای خدا، چه خون دلهایی خوردند تا جامعه رشد کند، برسد به اینجا که ما رسیدیم. «بی قراری برای زیارت»، این اتفاق ساده است؟ بعضی ها به سادگی از کنار «حالات قلبی جامعه» عبور میکنند؟

مگر چیز ساده است که جامعه دلش می تپد برای اربعین؟ این جامعه زنده هست و این جامعه حیات دارد. همان طور یک فرد حیات دارد؛ یک جامعه هم حیات دارد بعد یکی از علائم حیاتی یک جامعه چیست؟ یکی از علامت های آن همین بی قراری برای اربعین هست و این غم و تاسف دل های جا مانده از اربعین. این حیات را چه کسی جز سیدالشهدا به ما داده هست؟ «دست من و تو نیست اگر نوکرش شدیم خیلی حسین زحمت ما را کشیده است.»

« ما با اربعین در معرض نعمت بزرگی هستیم »

خدایا ما در معرض یک نعمت بزرگ قرار دادی، یعنی اربعین و بی قراری برای زیارت حسین علیه السلام «از دست و زبان که بر آید. کز عهده شکرش به در آید» دیدی آخر زیارت عاشورا می روی سجده، در سجده شکر چی می گی؟ می گویی خدایا ممنونتم مرا مصیبت

۱. « مَا بِمَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ عَشْرُونَ رَجُلًا يُحِبُّنَا » (شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۴)

۲. شوری، ۲۳.

زده امام حسین علیه السلام کردی.

شخصی آمد پیش امام باقر علیه السلام، غذا بخورد، غذا خیلی بهش چسبید حضرت فرمود: «چطور بود؟» گفت: «آقا خیلی خوش مزه بود! اما یاد آیه قرانی افتادم.» «کدام آیه؟» گفت: «آن آیه که قیامت خدا از نعمت ها می پرسد؟ «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^(۱) حضرت فرمود: «فلانی! اگر شما مهمانی دعوت کنید، به او غذایی بدهید، بعد از غذا از او بازخواست می کنید، چه چیزی خوردی یا نخوردی؟» گفت: «نه آقا» حضرت فرمود: «خدا، کریم تر از این هست که از آب و غذا بپرسد.»^(۲) گفت: «آقا پس منظور از این نعمتی که خدا فردای قیامت می پرسد با آن چه کردی چیست؟» حضرت فرمود: «نعمت ما، نعمت محبت ما اهل بیت.»

« شکرگذاری اربعین به چیست؟ »

حالا ما در معرض نعمت بزرگی هستیم از جنس محبت اهل بیت، که فردای قیامت از ما سوال خواهد شد، آن نعمت بزرگ چیست؟ نعمت اربعین. هرچقدر نعمت بزرگتر، شکرش بزرگتر. فرمود: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^(۳) شکرگذاری اربعین به چیست؟ به اربعین

۱. التکاثیر، ۸.

۲. «عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَلْبِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَدَعَا بِالْغَدَاءِ فَأَكَلْتُ مَعَهُ طَعَامًا مَا أَكَلْتُ قَطُّ طَعَامًا أَنْظَفَ مِنْهُ وَلَا أَطْيَبَ مِنْهُ فَلَمَّا فَرَغْنَا مِنَ الطَّعَامِ قَالَ يَا بَا خَالِدُ كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا رَأَيْتُ أَنْظَفَ مِنْهُ قَطُّ وَلَا أَطْيَبَ وَلَكِنِّي ذَكَرْتُ الْآيَةَ الَّتِي فِي كِتَابِ اللَّهِ - لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ » (المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۹) و «فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لَا إِنَّمَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ» «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ مُؤْمِنًا عَنْ أَكْلِهِ وَ شَرِبِهِ.» (المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۹)

۳. ابراهیم، ۷.



شناسی. کفر به اربعین چیست؟ به اربعین شناسی. حضرت فرمود: همین که نعمتی را شناختی، همین را خدا به عنوان شکر از تو قبول می کند؛ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا.^۱ خدایا! قبول دیگر؟ بله. تو فقط نعمت مرا بشناس، همین می شود شکر تو. یا امام عسکری علیه السلام، فرمودند: «لَا يَعْرِفُ النِّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ، وَ لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ بِالنِّعْمَةِ»؛ نعمت را جز شاکر نمی شناسد و جز کسی که نعمت را شناخت، شکر گذار نعمت نمی شود.^۲

الان می خواهیم یک شکر عملی از اربعین به جا بیاوریم، یعنی می خواهیم، اربعین را بشناسیم؟ به کدام حقیقت، اربعین را بشناسیم، شکر اربعین را به جا آوریم؟

« چه حرف تازه و نوی برای مردم جهان داریم؟ »

ما برای اربعین شناسی، اول باید ببینیم در چه وضعیتی هستیم. تا الان را شناسیم، محال هست اربعین را بشناسیم. وضع امروز ما خیلی کمک می کند به ما، برای شناخت عمیق اربعین؛ ببینید ما امروز، در جهانی زندگی می کنیم که خسته از ظلم و جور هستند، جهانی که خسته و سرخورده از مدیریت جهانی است.

« مردم جهان در مقام یاس از مدیریت کفر قرار دارند و این خیلی مبارک است »

رفقا مردم جهان! امروز در مقام یاس از مدیریت کفر قرار گرفتند، این واقعیتی هست که ما در آن قرار داریم. این یاس از مدیریت

۱. کافی، ج ۲، ص ۹۶.

۲. اعلام الدین، ص ۳۱۳.

کفر، خیلی مبارک هست. بشریت، دیگر حاضر نیست، زیر یوق ستم طواغیت بماند. مردم غرب، دیگر حاضر نیستند فریب شعارهای رنگی حاکمان خودشان را بخورند. وقتی مردم مایوس از کفر شدند چه اتفاقی می افتد؟ کافر به طاغوت می شوند. کافر به طاغوت می شوند یعنی چه؟ یعنی دیگر فریب دموکراسی و نظام سرمایه داری را نمی خورند. این آخرین حرف نجات بخش برای بشر بود که جواب نداد. کفر به طاغوت یعنی مشّت حاکمان فاسد غرب، برای مردم غرب باز شده و می دانند اینها بردگان صهیونیسم جهانی هستند و مهرهٔ یهود هستند، اینها به دنبال منافع مردم نیستند. ای کاش! ای کاش! ما آنقدر قوی بودیم که فقر و فلاکت و بدبختی مردم غرب را از زبان خود آن مردم، نشان می دادیم. رفقا! مردم غرب از تمدن غرب خسته شده اند و دلزده، این را به چه زبانی بگویم، اگر فقط همین واقعیت را می توانیستم منتقل کنیم، دیگر غرب پرستی، متحجر به غرب، در کشور ما جرائت نداشتند از غرب دفاع کنند. برای غرب سینه چاک دهند. مردم بدبخت غرب، فهمیدند اینها نفهمیدند.

« ظهور همراه با یاس از تمدن غرب رخ می دهد »

ظهور، همراه با یک یاس است، یاس از مدیریت کفر، یاس از نظام سرمایه داری، یاس از تمدن غرب. مردم غرب، توحش و بی رحمیت که در ذات تمدن غرب هست را می فهمند و نفرت دارند این یعنی یاس از کفر. چرا می گوییم ظهور همراه با یاس از کفر هست؟ چون امام باقر علیه السلام فرمود: «دَوْلَتُنَا آخِرُ الدَّوَلِ، وَ لَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا، لِيَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا: إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا مِثْلَ



سیرة هؤلاء!»^۱ یعنی دولت ما اهل بیت، آخرین دولت هست و هیچ مکتب و فکری نیست مگر اینکه قبل از ما به حکومت رسیده است تا اینکه هیچ کسی ادعا نکند اگر ما حاکم می شدیم مثل حکومت اهل بیت ع برقرار می کردیم.

« کدام تمدن امروز مدعی نجات بشر هست؟ »

کدام تمدن امروز مدعی نجات بشر هست؟ بسم الله ... این وضعیت مدیریت عالم هست؟ این همه خونریزی؟ این همه غارت، فقر، گرسنگی؟ ...

رفقا! الان ما در چه وضعیتی هستیم؟ این را باید خیلی خوب بفهمیم. وگرنه دچار اشتباهات محاسباتی می شویم؛ فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ؛ کسی که عالم به زمان خودش باشد، اشتباهات به او هجوم نمی آورد و اینها دچار خطای در محاسبات نمی شوند»^۲

« امروز، روز افول و غروب تمدن غرب است »

امروز، چه زمانه هست؟ امروز همه جا، در محافل علمی اروپا و جهان، سخن از پایان آمریکا و تمدن غرب است. امروز، روز افول و غروب تمدن غرب است. اصلا در حد یک نظریه مطرح شده است. تئوری در جهان مطرح هست به نام «انتقال قدرت؛ Power Transition» بر اساس این نظریه، «قدرت های بزرگ در طول تاریخ» یکی پس از دیگری متولد می شوند، به اوج می رسند و در

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۷.

نهایت افول می کنند و این سرنوشت محتوم همه ی ابرقدرت ها است.

جامعه شناسان مشهور جهان، سخن از افول قدرت آمریکا به عنوان مظهر ابرقدرت های جهان سخن می گویند.

خدای این نظریه پردازی ها، آقای فوکویاما هست، اخیراً بعد از خروج آمریکا از افغانستان دوباره گفته است که «پایان دوران آمریکا خیلی زودتر فرا رسیده بود»^(۱) آنها چه می دانند از غرب، از تمدن غربی، از آمریکای مدعی مدیریت جهان، که ما نمی دانیم؟ امام چقدر دقیقه می فرمودند: «در خود آمریکا هم ملت آمریکا کم کم بیدار می شوند. و خواهد شناخت این ابرقدرت هایی که تحمیل می کنند خودشان را بر ملت ها.»^(۲)

ما امروز، در چنین شرایطی هستیم، که مردم غرب از تمدن غرب، خسته و دلسرد شده اند، برای این مردم خسته و دلسرد از تمدن غرب، چه حرف تازه داریم؟ «هان سخن تازه بگو، تا دو جهان تازه شود»^(۳) اربعین آن حرف تازه ماست. اربعین، آغازی است برای پایان تمدن پوسیده و ناکارآمد غرب.

کارکرد اصلی اربعین، دو چیز است یکی تمدن سازی و دیگری تمدن سوزی. اربعین تمدنی را می سازد و تمدنی را می سوزاند که پدر بشریت را در آورده است یعنی تمدن غرب.

"تافلر" نویسنده و اندیشمند آمریکایی، در کتاب خودش تحت عنوان «موج سوم» می نویسد: «تمدن جدیدی در حال ظهور است،

۱. خبرگزاری مشرق، پایان هژمونی آمریکا به روایت فوکویاما، خبر شماره ۱۲۶۲۹۷۱.

۲. صحیفه امام؛ ج ۱۱؛ ص ۳۵۷.

۳. مولانا



ولی انسان های نادان در همه جا سعی دارند آن را سرکوب کنند ...
طلوع این تمدن جدید تنها واقعیت روشن زندگی ما است.» رفقا این
کدام تمدن هست، که می تواند ظهور کند؟

« چگونگی نابودی تمدن غرب توسط تمدن اربعین

چطور تمدن اربعین، تمدن غرب را نابود می کند؟ ببینید تمدن
غرب، مبتنی بر هوای نفس است، تمدن اربعین مبتنی بر هوای
حسین. حالا ببینیم کدام هوا، پیروز است؟ مستندسازی غربی آمده
بود، برای پیاده روی اربعین، تحلیلش این هست که روزی این
تمدن، آن تمدن را به چالش می کشد. تمدنی که هوای نفست را در
خدمت هوای حسین قرار می دهی.

آن موکب دار اربعین می گفت ما کل سال هر ماه پولمان را دو
بخش می کنیم. یک بخش برای اربعین کنار می گذاریم، بخش
دیگر را خرج زندگی می کنیم. حالا از او پرسید، از اینکار ناراحت
هستی؟ می گوید اصلاً، حال جراث داری خانه این موکب دار
عراقی، غذا نخور، ناراحت می شود. هوای حسین، بین چقدر از او
هواگیری کرده است، بعد آن مستندساز غربی می گفت تازه می فهمم
که چرا اربعین در سانسور خبری برگزار می شود و نمی گذارند مردم
جهان زیاد از اینجا مطلع شوند؟ چون اینجا بی تفاوتی نداریم،
اینجا مسئولیت پذیری توام با محبت داریم.

رفقا! تمدن اربعین، آغازی است برای پایان تمدن غرب و نزدیک
هست که تمدن اربعین، تمدن غرب را به چالش بکشد و نابود کند.
بعد شما می بینید در کشور ما، در میان مدیران سیاسی ما،
چطور با اربعین برخورد می شود؟ در حالی که از عمر سفر میلیونی

و تمدن ساز اربعین حسینی، نزدیک به ده سال می گذرد و رفتن به سفر اربعین تبدیل به یک فرهنگ عمومی در جامعه ما شده بود، ناگهان فتنه کرونا، تمام معادلات اربعینی ما را بر هم زد و ما ماندیم و چشم انتظاری. بهت ناگهانی که در مقابل چشمان ما، درب های اربعین دور از انتظار به روی ما بسته شد.

سال گذشته، میلیون ها ایرانی، با آه و حسرت فراوان، نقره داغ رفتن به اربعین شدند. اما امسال چرا؟ پارسال به هر دلیلی مثل ناشناخته بودن ویروس کرونا، در دسترس نبودن واکسن کرونا، بر سر کار بودن دولت آنچنانی و هزاران اما و اگر، در چنین شرایطی، امید اربعینی ها تبدیل به ناامیدی شد.

اما در عراق پارسال اربعین با همه ترس و دلهره پا گرفت و مردم خون گرم عراق، دل را به دریا زده و پا در سفر تمدن ساز اربعین گذاشتند و جای ما ناکامان اربعین، قدم به قدم، اجتماع عظیم حسینی را آفریدند.

مسئولان عراقی! نگران از خیزش موج دیگری از کرونا در عراق بعد از اربعین بودند، اما دیدند که روند ابتلا در شهر کربلا و نجف با همان آمار ناقص خودشان، کاهش محسوس و ملموس و عینی، پیدا کرد.

با روی کار آمدن دولت مردمی جناب آقای رئیسی امیدواری ها برای سفر اربعین چند برابر شد، اما هرچقدر که به روزهای سرنوشت ساز اربعین نزدیک تر شدیم، بی تدبیری ها و عدم برنامه ریزی برای اربعین، مشهودتر و عینی تر شد تا جایی که چند روز مانده به اربعین، آمار بسیار محدودی از جانب کشور عراق، برای میزبانی



اربعینی ها، اعلام گردید.

شاید زود باشد که از دولت محترم! انتظار تمهید و آماده سازی برای اربعین داشته باشیم، نمی دانم موانع سفر اربعین، چقدر معقول و طبیعی هست، اما اینکه اگر مدیران سیاسی انقلابی ما، وزانتی برای اربعینی ها و سفر تمدن ساز اربعین آن طوری که شایسته و بایسته است، قائل نباشند و این قابل اغماض و چشم پوشی نیست.

این تاسف برانگیز است، برخی از مدیران سیاسی ما، گاهی بسیار سطحی و ساده با مسئله تمدن سازی مثل اربعین، برخورد می کنند. مقام معظم رهبری حفظه الله، سال ۵۲، در شرح خطبه نهج البلاغه، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به ظرفیت تمدن ساز اربعین اشاره کرده و فلسفه اجتماع اربعین را ذکر می کنند. این فاصله مدیران سیاسی با رهبری جامعه است.

فرمودند: «اربعین یعنی میعاد شیعیان در یک کنگره ی بین المللی و جهانی، در یک سرزمین که خود آن سرزمین خاطره انگیزه است ... اگر امروز [سال ۵۲] هم شیعیان بتوانند آن سرزمین پاک و مقدس را یک چنین میعادی قرار بدهند، البته بسیار کار به جا و جالبی خواهد بود»^(۱)

نمی دانم چند نفر از مدیران سیاسی ما، در این حدود ده سال گذشته به سفر اربعین مشرف شده اند؟ آیا آنها نگاه تمدنی داشته اند یا نه؟ آیا اربعین در نگاه آنها، یک سفر تفریحی معنوی است یا یک سفر تمدن ساز مادی و معنوی بوده است؟

۱. نهج البلاغه/ شرح هفته خطبه مشهد ۱۳۵۲- ۱۳۵۲ منشور حکومت علوی. ص ۳۸ الی ۴۲.



آیا آنها آثار تمدنی سفر اربعین را حس می کنند؟ آیا مشاورانی فهیم، جامعه شناس و فرهنگ شناس دارند، که آثار تمدنی و فرهنگی اربعین را برای آنها تبیین کنند؟

فقط اربعین شناس ها، این طور با اربعین برخورد می کنند. دود اربعین شناسی، اول به چشم خودمان می رود. بستن راه اربعین برای اربعینی ها، مثل بستن آب برای خیام حسینی، سخت و باورنکردنی است.

در این تهاجم فرهنگی، چشم و امید ما به معجزه اربعین بود، که ما با دست خودمان این معجزه بزرگ را نادیده گرفتیم، سفری که می توانست جبران هزاران میلیون بودجه فرهنگی خرج نشده را برای ما داشته باشد.

جا داشت وزارت فرهنگ و ارشاد، وزارت اقتصاد، وزارت گردشگری و وزارت خانه های دیگر، به آقای رئیسی نامه بنویسند که آقا ما توان جبران خسارت فرهنگی نرفتن مردم به اربعین را نمی توانیم جبران کنیم اگر اربعین شناس باشند.

حاج قاسم های فرهنگی و سیاسی ما کجا هستند تا به داد ملت امام حسین برسند و این فجایع عظیم فرهنگی سیاسی را گوشزد کنند. با تحلیل علمی و درست.

حوزه علمیه و مبلغان محترم! از مسئولان شهر و کشور مطالبه گری کنند، راه اربعین، راه تمدنی ماست نه یک تفریح معنوی و فوق العاده زندگی.

یادمان باشد، اربعین از ما جلو زد و ما از سفر تمدن ساز اربعین عقب ماندیم و این عقب ماندگی خسارت بزرگ هست که به این

سادگی ها قابل جبران نیست. فرمود: «اگر کفران نعمت کنید، دچار عذاب شدید می شوید؛ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۱.
خدا یا ما توبه می کنیم از اینکه اربعین را به خوبی نشناختیم و ناخودآگاه دچار کفران نعمت اربعین شده باشیم.

« روضه

اربعین شناس می خواهی به تو نشان دهم؟ زینب علیها السلام، شما در خط تمدنی، حرکت زینب علیها السلام را به سمت کربلا ببینید و تحلیل کنید. همان زینبی که وقتی که داشت امام سجاد علیه السلام دق می کرد از اینکه بدن شهدا را به خاک نسپردند، فرمود: «عزیز برادرم! اینجا کربلای با شکوه و عظمتی خواهد شد؛ يَنْصُبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْماً لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَذْرُؤُ أَثَرُهُ وَلَا يَغْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُزُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ؛ اینجا برای پدرت سید الشهداء، علمی برافراشته خواهد شد که گذشت زمان تاثیری بر روی آن ندارد و اینجا ماندگار می شود»^۲.
زینب علیها السلام، افق دیدش فراتر از زمان محدود سال ۶۱ هست، بانوی که امام معصوم، به فهم او، به علم او، تصریح می کند.^۳ امام سجاد علیه السلام فرمودند: «عمه جان! شما بفرمایید کجا برویم؟ مدینه یا کربلا؟ فرمود: «برویم کربلا» اربعین رفتن زینب به کربلا، از سر دلتنگی یک خواهر برای برادر نبود، این حرکت، آغاز تمدن اربعین که به دست زینب کبری علیها السلام کلید خورد.^۴

۱. ابراهیم، ۷.

۲. کامل الزیارت، ص ۲۶۲.

۳. «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفْهَمَةٍ» (الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵).

۴. مقام معظم رهبری: «مسئله آمدن اهل بیت بر سر مزار سید الشهداء علیه السلام، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بوده است: «با این کار خواستند به پیروان حسین بن علی علیه السلام و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند،

فقط امروز حال من و شما، به کمی شبیه حال رقیه است، رقیه هم نتوانست اربعین کربلا برود. اما فرق من و شما با رقیه این هست، رقیه آنقدر تازیانه خورد، برای رسیدن به کربلا ولی ما الان فقط دلداری می دهیم همدیگر را. شوق زیارت می خواهی ببینی؟ بی قراری برای زیارت را می خواهی ببینی؟ بیا برویم خرابه شام، بین رقیه چطور شوق زیارت دارد. فرمود: «زیارت می آید شوقی بیاید.»^۱ شوق زیارت رقیه را کشت.

چه زیارتی؟ چه زیارتی مقبولی داشت رقیه خانم! «خوش آمدی ای بابا! به گوشه ویرانه خرابه ام شد روشن، تو شمع و من پروانه» پدر، با سر آمد به دنبال پدر.

- می آیی بریم دخترم پیش خودم؟

- بله بابا ولی صبر کن! صبر کن بگذار اول چادرم سر کنم.

- عمه جان! دستم توان نداره می شه چادرم را به هم بدی؟ آخ

بابا خوشش نمی آید، رقیه را بی چادر ببینه! سر رو گذاشت روی دامن خودش، زائر مخصوص حسین هست.

تفہیم کنند کہ این حادثہ تمام نشد؛ مسئلہ با کشتہ شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رہا کردن اسیران خاتمہ پیدا نکرد؛ مسئلہ ادامہ دارد. بہ شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماست؛ اینجا میعاد بزرگی است کہ با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعہی شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعہی مسلمانان را باید بہ یاد ہم بیاورید. تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن، حتی در حد شہادت، آن ہم با آن وضع؛ این چیزی است کہ باید از یاد مسلمانان نمیرفت و خاطرہی آن برای ہمیشہ زندہ میماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد (علیہ السلام) و زینب کبری (سلام اللہ علیہا) بہ کربلا در اربعین، بہ این مقصود بود. لذا شما نگاه میکنید، زیارت اربعین یکی از پرمغزترین و پرمضمونترین زیارتہایی است کہ برای ائمہ (علیہم السلام) ذکر شدہ است» (۲۴/مہر/۶۶).

۱. «مَنْ أَتَاهُ شَوْقًا إِلَيْهِ وَ حُبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبًّا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُبًّا لِفَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَفْعَدَهُ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُ مَعَهُمُ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ» (کامل الزیارات، ص ۱۴۲)

چه زیارتی، چه سری. حسین جان! ما را بکش تا زنده شویم!
 رقیه را کشتی حسین جان! فرمود: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ
 الْحُسَيْنِ عِزِّ الْقُضَلِ لَمَاتُوا شَوْقًا؛ اگر مردم می دانستند چه چیزی
 از فضیلت در زیارت قبر ابی عبدالله الحسین ع هست، از سر شوق
 زیارت می مردند»^۱ رقیه از شوق زیارت مرد.

یزید می خواست، سند ذلت به نام اهل بیت بزند، لذا اهل بیت
 را آورد خرابه نشین کرد تا قیامت هرکسی آمد شام، پیرسد هان!
 کجاست آن خرابه که می گویند زینب با عزت را خرابه نشین کردند؟
 رقیه داوطلب شد! گفت: «عمه جان! من حاضرم! اینجا را تبدیل
 به حرم کنم. هرکسی تا قیامت آمد شام، دنبال خراب گشت، فقط
 حرم ببیند.»

- چطور دخترم!

- صبر کن عمه جان! شب بشود. این ها زبان حال رقیه است.
 - اما عمه جان! رقیه جان! تو به بمانی شام، نمی گویی اربعین به
 بابایت حسین چه بگویم؟

- نمی گویی اربعین، عمه ات شرمنده می شود؟
 - حسین جان! شرمنده ام رقیه را جا گذاشتم.

• گفتار سوم: «گوهر مرکزی اربعین»



« به چه دلیل دین داری می کنی؟ »

هرکسی به دلیلی دین داری می کند یا علاقه مند به دین می شود. دلایل آدم ها برای دین داری متفاوت هست. و این خاطر تفاوت شخصیت آدم ها هست. بعضی ها علاقه به مسائل عرفانی دارند، به دین علاقمند می شوند چون احساس می کنند دین آن بخش از وجودشان را پر می کند.

بعضی ها علاقه به مسائل عبادی دارند، به دین علاقمند می شوند چون احساس می کنند نیاز به عبودیت را دین پر می کند. بعضی ها به خاطر علاقه به علم علاقمند به دین میشوند بعضی ها به خاطر علاقه به عمل و عمل گرایی علاقمند به دین می شوند به خاطر اینکه می بینند دین به شدت عمل گرا هست. برای جزئی ترین رفتار برنامه دارد. و این شدت نظم و برنامه ریزی دین در عمل آنها را علاقمند به دین می کند.

اما کدامیک از این علاقه ها یا دلایل اصالت دارد و کدام یک فرع ماجر هست. یعنی اشکالی نداره شما به هر دلیلی دین داری شدی، شدی ولی نباید اولاً در این نقطه متوقف بشوی. آقا من فقط بخش عبادی دین را کار دارم بخش علمی و عقلانی دین رو کاری ندارم. من فقط بخش عرفانی دینی و حالات عرفانی که از دین می خواهم را برداشت می کنم به بخش عبادتش کاری ندارم.

مومن اساساً باید روحیه جمع اضداد داشته باشد. جدای از اینکه نباید انسان در این نقطه متوقف بشود نباید آن نقطه شروع خودش را نقطه پایان دین تصور کند و بگوید ته دین یعنی عرفان ته دین یعنی عبادت ته دین یعنی عمل یا ته دین یعنی معرفت و علم.

بعضی ها علاقه به اخلاق دارند، دین را اخلاقی تعریف می کنند. بله دین سفارش به اخلاق هم می کند اما دین یعنی اخلاق؟

واقعاً دینی یعنی چه؟ دین یعنی چه؟ را باید از عالمان حقیقی دین که به همه جوانب دین اشراف دارند پرسید. یعنی اهل بیت ع. آنها می توانند بگویند دین یعنی چه؟ فرمود: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، ۴۳).

«گوهر مرکزی در تعریف دین چیست؟»

گوهر مرکزی در تعریف دین چیست؟ آیا عمل گوهر مرکزی در دین هست؟ آیا علم گوهر مرکزی در تعریف دین هست؟ آیا اخلاق گوهر مرکزی در تعریف دین هست؟

بالاخره هر کسی برای خودش تعریفی از دین دارد که براساس آن هم دین داری می کند هم درباره دیگران قضاوت می کند که اینها



دین دار هستند یا نیستند؟ ما اگر گوهر مرکزی در تعریف دین را اشتباه بگیریم هم در دین داری خودمان اشتباه می کنیم و هم درباره دیگران به اشتباه می افتم.

محبت، گوهر مرکزی دین نه عمل، نه اخلاق

گوهر مرکزی در تعریف دین نه عمل هست نه علم هست نه اخلاق پس چیست؟ گوهر مرکزی در تعریف دین محبت هست. دین یعنی محبت. الباقر (علیه السلام): الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَالْحُبُّ هُوَ الدِّينُ. (المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۳).

الان چند درصد از ما واقعا در تعریف دین اصالت را به احساسات می دهیم. واقعا دین یعنی عمل نیست؟ واقعا دین یعنی معرفت نیست؟ واقعا دین یعنی اخلاق نیست؟ بله در دین هم عمل هست هم معرفت هست هم اخلاق ولی دین اینها نیست دین محبت هست و جمله بعدی امام باقرع بسیار وحشتناک می فرماید به هر چه علاقه داری آن دین تو هست. به چی علاقه داری عزیزم؟ آن دین تو هست. علاقه هات رو برای من فهرست کن من بهت می گویم دینت چیست؟

به ماشین علاقه داری؟ به خانه علاقه داری؟ آن دین تو هستنه اینکه ماشین نداشته باش نه اینکه حتی علاقه هم نداشته باش بلکه به چه دلیل به ماشینت به خانه ات به آشپزخانه ات به فرزندات علاقه داری؟ همان دین تو هست. گفت آقا امام صادق ع ما دنیا را دوست داریم آقا یک سوال به شدت فنی از ایشان کرد فرمود برای چه دوست داری؟ گفت ازدواج کنم، حج بروم، برای خانواده ام خرج کنم، به برادران دینی رسیدگی کنم و صدقه بدهم. حضرت فرمود این محبت از جنس محبت دنیا نیست این محبت آخرت هست. عَنْ ابْنِ

أَبِي يَعْفُورَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ إِنَّا لَنَحِبُّ الدُّنْيَا فَقَالَ لِي تَصْنَعُ بِهَا مَاذَا قُلْتُ أَتَزَوِّجُ مِنْهَا وَأَحُجُّ وَأَنْفِقُ عَلَى عِيَالِي وَ أُبِيلُ إِخْوَانِي وَ أَتَصَدَّقُ قَالَ لِي لَيْسَ هَذَا مِنَ الدُّنْيَا هَذَا مِنَ الْآخِرَةِ. (السرائر، ج ۳، ص ۵۶۴)

برخی یاران امام باقر ع می‌گویند، خدمت حضرت باقر (علیه السلام) رسیدیم درحالی که زیاد احلام هم در نزد آن جناب بود، ابوجعفر (علیه السلام) فرمود: «ای زیاد! چرا پاهایت از هم جدا شده و شکاف برداشته‌اند؟! زیاد گفت: «قربانت گردم! شتر لاغر مرا به این روز انداخته و شوق دیدار شما مرا چنین کرده است». در اینجا زیاد اندکی مکث کرد و گفت: «قربانت شوم! گاهی در خلوت قرار می‌گیرم و شیطان می‌آید و مرا به یاد گناهان گذشته می‌اندازد و در این هنگام یأس برای من پیش می‌آید ولی متذکر دوستی و علاقه‌ی خود به شما می‌شوم و انقطاع من به شما موجب دلگرمی می‌گردد». امام (علیه السلام) فرمود: «ای زیاد! مگر دین جز حب و بغض چیزی هست و بعد این آیات شریفه را قرائت کرد که خداوند می‌فرماید: ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده، ... بُرِّدَ بَنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ وَ إِبْرَاهِيمَ الْأَحْمَرِيِّ قَالَا: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع وَ عِنْدَهُ زِيَادُ الْأَحْلَامِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ يَا زِيَادُ مَا لِي أَرَى رَجُلِيكَ مُتَعَلِّقِينَ قَالَ جُعِلْتُ لَكَ الْفِدَاءُ جِئْتُ عَلَى نِصْوِ لِي عَامَّةِ الطَّرِيقِ وَ مَا حَمَلَنِي عَلَى ذَلِكَ إِلَّا حُبِّي لَكُمْ وَ شَوْقِي إِلَيْكُمْ ثُمَّ أَطْرَقَ زِيَادٌ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ جُعِلْتُ لَكَ الْفِدَاءُ إِنِّي رُبَّمَا خَلَوْتُ فَأَتَانِي الشَّيْطَانُ فَيَذْكُرُنِي مَا قَدْ سَلَفَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمَعَاصِي فَكَأَنِّي آيِسٌ ثُمَّ أَذْكَرُ حُبِّي لَكُمْ وَ انْقِطَاعِي [إِلَيْكُمْ] وَ كَانَ مُتَكِنًا لَكُمْ

قَالَ يَا زِيَادُ وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالبُّغْضُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَاتِ الثَّلَاثَ كَأَنَّهَا فِي كَفِّهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ ...» (تفسیر فرات کوفی، ص ۴۳۰)

بنابراین نه علم اصالت دارد نه عمل اصالت دارد نه اخلاق اینها فرع ماجرا هستند یا مقدمه هستند اما اصل ماجرا این هست که اصل دین ما احساسات ما هستند. اگر من بخواهم تشبیه کنم جایگاه علم علاقه و عمل را در وجود انسان تشبیه می‌کنم به ماشین چراغ‌ها به منزل علم هستند. چرخ‌های ماشین به منزله عمل هستند اما احساسات موتور ماشین وجود انسان هست. اگرچه از عمل تو می‌پرسد و هم از علم تو اما این دو ارزشش به این هست که چه تاثیر بر احساسات تو گذاشته است.

« چرا آدم‌های احساسی، به گوهر دین و دین داری نزدیک تر هستند؟ »

چرا آدم‌های احساسی، به گوهر دین و دین داری نزدیک تر هستند؟ چه رابطه بین دین و آدم‌های احساسی وجود دارد؟ در تعریف دین، باید گفت دینی چیزی از جنس احساسات هست. و من به شما بگویم آدم‌های که احساسی هستند، تناسب بیشتری با دین داری دارند یعنی به آن گوهر مرکزی دین خیلی نزدیک تر هستند. بله آدم‌های اخلاق، آدم‌های علم گرا هم می‌توانند به آن گوهر مرکزی دین برسند ولی فاصله زمین تا آسمان هست. چقدر عالم‌هایی که جهنمی می‌شوند، چقدر اهل عملی که جهنمی می‌شوند. چون به این گوهر مرکزی دین یعنی احساسات و محبت نرسیدند.



« اهل عملی که جهنمی هستند

امیرالمومنین علیه السلام علی بن ابی طالب ع فرمود: «لَوْ صُمَّتِ الدَّهْرُ كُلُّهُ وَ قُضِمَتِ اللَّيْلُ كُلُّهُ وَ قُتِلَتْ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ بَعْثَتَكَ اللَّهُ مَعَ هَؤَالِكَ بِالْغَا مَا بَلَغَ إِنْ فِي جَنَّةٍ فَفِي جَنَّةٍ وَإِنْ فِي نَارٍ فَفِي نَارٍ؛ اگر کسی تمام عمرش روزه گرفت، تمام عمرش شبها تا صبح بیدار بود و در یکی از مقدس ترین مکان ها یعنی بین رکن و مقام کشته شد خدا او را با کسی که دوست دارد محشور می کند هر جا که برسد اگر بهشت بود در بهشت اگر در آتش بود در آتش» (الغارات، ج ۲، ص ۴۰۱). چرا حضرت عمل را بی خاصیت می کند؟ چون می دانی دین یعنی محبت. گوهر مرکزی در تعریف دین عمل نیست، محبت هست. بعد شما گوهر محبت را بیاور و عمل کن فرمود حداقل ده برابر از تو می خرد. آن محبت هست که به عمل خاصیت می دهد.

« اخلاقی های جهنمی

حتی اخلاق هم گوهر مرکزی دین نیست. می گوید به امام صادق ع گفتم آقا من با مردم زیادی در ارتباط هستم. اما بسیار تعجبم می کنم عده ای هستند که ولایت شما را قبول ندارند اما یک امانت داری هستند، یک صداقتی دارند، یک وفایی دارند اما محبان و موالیان شما هستند که بعضاً آن امانت داری و صداق و وفاداری را ندارند. حضرت سر جاشایشان کمر صاف کردند و با حالت ناراحتی به من فرمود اینها دین ندارد.

«عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي أَخَالِطُ النَّاسَ فَيَكْثُرُ عَجْبِي مِنْ أَقْوَامٍ لَا يَتَوَالَوْنَكُمْ وَ يَتَوَالَوْنَ فَلَنَا وَ فَلَنَا لَهُمْ أَمَانَةٌ



وَ صِدْقٌ وَ وَفَاءٌ وَ أَقْوَامٌ يَتَوَلَّوْنَكُمْ لَيْسَ لَهُمْ تِلْكَ الْأَمَانَةُ وَ لَا الْوَفَاءُ وَ لَا الصِّدْقُ قَالَ فَاسْتَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع جَالِساً وَ أَقْبَلَ عَلَيَّ كَالْمُغْضَبِ ثُمَّ قَالَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ لَا عَتَبَ عَلَى مَنْ دَانَ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ قُلْتُ لَا دِينَ لِأَوْلِيكَ وَ لَا عَتَبَ عَلَى هَؤُلَاءِ ثُمَّ قَالَ أَلَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ مِنَ ظُلُمَاتِ الدُّنْيَا إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ أَوِ الْمَغْفِرَةِ لَوْلَايَتِهِمْ كُلُّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ» (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۸)

« محبت در قلب را کتور دین

این دین ندارند امام صادق ع مرا کشته است. پس چی دارند امام صادق ع؟ معلوم می شود اخلاق گوهر مرکزی دین نیست. بلکه گوهر مرکزی در تعریف دین، در حقیقت دین و قلب را کتور دین، محبت هست.

« طراحی سازه دین بر پایه محکم ترین میثاق فطری

چقدر حکمیانه و عالمانه این دین طراحی شده است. محکم ترین و مقاوم ترین میثاق بشری یعنی محبت شده اساس و پی دین. سازه دین چقدر محکم هست. پایه های دین ما، با محبت شناژ بندی شده است. به این سادگی ها تکان نمی خورد. بعد این دین با هزار ریشتر زلزله هم تکان نمی خورد. چقدر دشمنی کردند با دین؟ دین با محوریت محبت. یعنی شیعه گری. آیا توانستند این دین را نابود کنند؟ چرا نمی توانند؟ چون این دین، پی و پایه های با محبت پی ریزی شده است. بعد می شود به این دین راحت تکیه



کرد. این دین قیم هست. فرمود: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی دانند!» (روم، ۳۰).

در ساختار حیات بشر در نظام مهندسی عالم واقعا خدا شاه کار کرده یعنی هرچه آدم دقت می‌کند به مصالح و مواد اولیه که خدا در سازه‌های حیات بشر به کار برده سرش سوت میکشد حیرت آورده ناخود آگاه می‌گی «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون، ۱۴) بعضی خالق بودن خود رو قبول دارند ولی کیف نمی‌کنند چرا چون احسن بودن زیبایی خلقت رو دقت نمی‌کنند.

یکی از زیبایی خلقت این هست که چقدر خدا ساختار حیات بشر را محکم قرار داده از چه مصالحی برای برپایی حیات بشر استفاده کرده آدم کیف می‌کند از این همه محکم کاری خدا فرمود: «آن خدایی که هر همه چیز را متقن آفریده است؛ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ» (نمل، ۸۸)

چه مصالحی را به کار برده برای اینکه سازه حیات بشر رو سامان بده بعد این بشر احمق ساختار رو تخریب می‌کند.

من شما رو دعوت می‌کنم با هم برویم داخل یه اتاق شیشه و از بالا نگاه کنیم. از بیرون نگاه کنیم به این سازه حیات بشر چه مهندسی و چقدر دقیق و حساب شده از چه مصالحی استفاده کرده خدا.



امام صادق ع: «ای علی! هر چیز، اساس و پایه ای دارد. و پایه اسلام، حبّ ما اهل بیت است.؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.» (المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۰).
اساس یعنی شناژى كه دين روى آن قرار مى گيرد.

« منطق اربعین

وقتی یک نفر با دین چنین میثاق و پیوند محکمی بست. یعنی عشقش شد دینش و دینش شد عشق و محبت. راحت از جان و مال می گذرد. شما این اربعین که واقعا شگفت انگیز هست یک نگاه بکن. با کدام منطق آن عراقی تمام هستی خودش را لب جاده آورده است؟ جز منطق محبت.

امام صادق ع فرمود: «خدا اگر خير کسی را بخواهد، در قلبش محبت اباعبدالله الحسین و محبت زیارت اباعبدالله ع را می اندازد. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ، قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ.» (هدایتة الكبرى، ج ۵، ص ۴۹۷) یعنی محبت زیارت جدای از محبت امام حسین ع در دل جایگاه دارد.

این محبت متوقف به امام حسین ع و زیارتش نمی شود بلکه این مبحث به زوار امام حسین ع هم می رسد. آن عراقی می گوید ما هر ماه نصف درآمدی که در می آوریم را به عشق اربعین کنار می گذاریم. می دانید انسان به این راحتی ها حاضر نیست از مالش بگذرد. فرمود: « بگو: «اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) امساك می کردید، مبادا انفاق، مایه تنگدستی شما شود» و انسان تنگ نظر است!؛ قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَ كَانَ

الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (الإسراء: ۱۰۰)

بعد چه اتفاقی در اربعین می افتد؟ که در اخبار آمده است در طول مسیر پیاده روی اربعین، تقریباً به ارائه ۱۲۵ میلیون وعده غذایی و ۱۵۰ میلیون لیتر آب آشامیدنی، پنج میلیون قوطی آب میوه و حدود ۵۰۰ هزار تن انواع میوه و سبزیجات پرداختند یعنی میانگین هفت میلیون وعده غذا در روز تا طولانی ترین و گسترده ترین سفره غذا و آب که بشریت تا کنون شناخته است، برپا شود.^۱

« مجله آمریکایی هافینگتون پست: اگر می خواهی اسلام حقیقی را بشناسی، به زیارت اربعین برو

اربعین در سکوت مطلق رسانه غربی برگزار می شود. لال هستند. اگر ما می گوئیم اربعین صاحب تمدن هست، محور این تمدن محبت هست همان طور که محور تمدن غرب، هوای نفس و محبت خود هست. این تمدن آن تمدن را نابود می کند.

اخیراً دیگر برخی از رسانه ها نتوانستند این عظمت را پنهان کنند. نشریه آمریکایی "هافینگتون پست" اینگونه نوشت: اگر می خواهی اسلام حقیقی را بشناسی، به زیارت اربعین برو، زیرا مراسم ارزش ها و الگوهاست. شمار زائران این تجمع پنج بار بیشتر از مراسم بزرگ و مهم "کومبه میلای" هندوهاست که هر سه سال یک بار برگزار می شود. در زلزله هائیتی وزارت دفاع آمریکا فقط چهار میلیون وعده غذایی داد و در اربعین بیش از دویست میلیون وعده غذایی تهیه می شود و همه را خیرین به عهده گرفته اند.^۲

۱. خبرگزاری تسنیم، ۲۸ مهر ۱۳۹۸

۲. تابناک، کد خبر: ۷۴۵۸۲۴

نظریه پرداز و استراتژیست برجسته روس: «در اربعین من جهش زمان به سوی آخر الزمان را دیدم؛ یهودیان سنتی معتقدند در عراق قطعه‌ای از بهشت پنهان است.»

پروفسور الکساندر دوگین، نظریه پرداز و استراتژیست برجسته روس، با حضور در پیاده روی اربعین، در خیمه کمپین «حسین؛ عشق بین المللی» گفت: «در اربعین من جهش زمان را دیدم؛ یعنی اینکه آخر الزمان نه تنها در حال نزدیک شدن است، بلکه به سمت ما در حال جهش است. این برداشت عمومی [از مراسم اربعین] است. من نمی‌توانم تفسیر عقلی و منطقی از این موضوع ارائه بدهم. ما شاهد حضور میلیون‌ها نفر هستیم. بیست میلیون شیعه که به سمت ریشه‌های خودشان حرکت می‌کنند؛ چراکه ریشه شیعیان امام علی و دیگر امامان مقدس هستند. یهودیان سنتی معتقدند در عراق قطعه‌ای از بهشت پنهان است.^۱

اگر زینب کبری س به یزید فرمود: «تو نمی‌توانی یاد ما را محو کنی؛ كَذَّكَدَكَ وَ أَجْهَدَ جَهْدَكَ فَوَ الَّذِي شَرَّفَنَا بِالْوَحْيِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبُوَّةِ وَ الْإِنْتِجَابِ - لَا تُدْرِكُ أَمَدَنَا وَ لَا تَبْلُغُ غَايَتَنَا وَ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا» (الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۹). تجلی عدم ناتوانی یزید در محو یاد اهل بیت، اربعین هست. اما دلیلش این هست که ریشه ارتباط با حسین بن علی ع، محبت هست. واقعا حب الحسین یجمعنا. کدام میثاق محکم تر از میثاق محبت حسینی می‌توانست این جمعیت را کنار هم جمع کند؟ کدام ارتش کدام حاکمیت جز حکومتی که حسین ع بر قلب‌ها دارد و محبت حسین این عاشقان را دور هم

۱. <http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۷۲۷۴۱۰>

جمع کرده است و این هم زیبایی خلق کرده است.

شاید آن جمله طلایی زینب کبری س که فرمود جز زیبایی نمی بینم «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» (مثیر الاحزان، ص ۹۰) اشاره باشد به زیبایی های اربعین در علم لدنی که زینب از جانب خدا داشت. مگر وقتی امام سجاد ع اوج غربت امام حسین ع را در روز عاشورا دید و داشت جان می داد زینب کبری س بشارت نداد که جدمان رسول الله ص خبر داده است در این سرزمین علمی برافشته خواهد شد. و گذر زمان موجب نمی شود این مزار از یادها برود و تلاش دشمنان هم بی اثر خواهد شد. و هرچه می گذرد حسین علمش برافراشته تر می شود. «يُنْصِبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَذْرُؤُ أَثَرُهُ وَلَا يَعْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَ لَيَجْتَهِدَنَّ أَيْمَةُ الْكُفْرِ وَ أَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَ تَظْمِيسِهِ فَلَا يَزْدَادُ أَثَرُهُ إِلَّا ظُهُورًا وَ أَمْرُهُ إِلَّا عُلُوًّا» (کامل الزیارات، ص ۲۶۲). خدا می داند با اربعین چقدر امام حسین ع بیشتر به جهانیان معرفی شد.

زینب و اهل بیت اباعبدالله ع این اربعین در اوج مظلومیت به کربلا آمدند. تا رسیدند به کربلا این زن و بچه مثل برگ پاییز از بالای شتران به زمین افتادند هر کسی می رود قبر عزیزش را بغل می کشند بعضی ها شتابان می روند سمت علقمه عمو عمو عمو می گویند تمام مصیبت ها جلوی چشمانشان آمد در اربعین خاطرات عاشورا اهل بیت را آتش زد. همین جا بود بابام حسین قنداقه دادش اصغر رو دست گرفت همین جا بود بابا حسین با عمه جانم زینب و داع کرد همین جا بود اکبر گلگون کفن به زمین خورد همین جا بود که گوشواره از گوشم بردند همین جا بود که روسری از سرم کشیدند



همین جا بود دامنم آتش گرفت ... امام سجاد ع تا چشمش به جابر خورد فرمود تو جابری؟ گفت بله یا بن الرسول الله. داغ دل امام سجاد ع تازه شد. فرمود جابر به خدا مردان ما را کشتند بچه های ما را ذبح کردند و بانوان را به اسارت بردند و خیمه ها را آتش زدند.

• گفتار چہارم: «اربعین؛ زندگی بہ سبک عصر
ظہور»



« اربعین برشی از زندگی در عصر ظهور »

اگرچه زیارت مقصد عالی تمام زائرین اربعین است. اما این مقصد عالی، یک مقدمه مهم و زیربنایی دارد و آن تمرین یک زندگی جمعی و فوق العاده عالی در متن پیاده روی زیارت اربعین است. جدای از زیارت اربعین، زیستن، زندگی کردن در مسیر اربعین، در مسیر رسیدن به صاحب اربعین، یک مدل زندگی کردنی است که هنوز به خوبی برای خودمان هم جا نیفتاده است چه برسد به اینکه به دیگران این مدل زندگی کردن را معرفی کنیم. واقعاً اگر ما بخواهیم، یک سکانس، یک صحنه از ظهور را به مردم جهان نشان دهیم، اربعین آن فرم زندگی است که می تواند پیش نمایی برای زندگی در عصر ظهور باشد. آی مردم جهان! ما که این قدر می گوییم، ظهور، ظهور. ظهور چیست؟ در عصر ظهور قرار است مردم چگونه زندگی کنند؟ اربعین یک گوشه از سبک



زندگی در عصر ظهور است.

« مهربانی، مهم ترین عنصر در زندگی به سبک اربعین »

مهم ترین عنصر در زندگی به سبک اربعین چیست؟ مهم ترین عنصر، عنصر مهربانی به جامعه است. اوج روابط انسانی، یعنی محبت به جامعه در اربعین شکل می گیرد، همان اتفاقی که در ظهور محقق می شود.

ببینید قرآن درباره صفت برجسته جامعه نبوی چه می فرماید؟ می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱ جامعه نبوی اولین ویژگی اش این است که به شدت نسبت به کسانی که راه بشریت را می بندند برخورد می کند. استکبارستیزی یعنی مهربانی به مردم و جامعه. چقدر بی رحم و نامهربان اند غرب زده هایی که دم از ارتباط با آمریکا می زنند! آدم باش! «تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی».^۲

صفت دوم جامعه نبوی این است که مردم در آن جمع، در آن جامعه، نسبت به خودشان مهربان هستند. به هم رحم می کنند. عجب ویژگی برجسته ای است! امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم در جامعه نبوی و در دوران پیغمبر با محوریت این بخش از آیه یعنی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ مهربانی با یکدیگر»، زندگی می کردند مناسبات اجتماعی و پیوندهای اجتماعی خودشان را سامان می دادند».^۳

۱. فتح، ۲۹.

۲. سعدی.

۳. «يَجِئُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاضُّعِ، وَ التَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ، وَ الْمُوَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، وَ تَعَاوُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» مُتَرَاحِمِينَ، مُعْتَمِينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ، عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعَشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ مسلمانان باید در پیوند با یکدیگر تلاش

« مهربانی به جامعه، دل بزرگ می خواهد

ببینید، ما به صورت طبیعی، با اعضای خانواده خودمان مهربان هستیم و رحم می کنیم، حالا این دایره مهرورزی را گسترده تر کن، تمام جامعه بشوند برادر شما، دیدی در ادبیات دینی، مؤمنین به همدیگر برادر می گویند، این یک حقیقت و واقعیت هست. پیوندهای اجتماعی در جامعه که امام دارد، این قدر مستحکم و عمیق است. از جنس روابط نزدیک خانوادگی است. تمام جامعه بشوند برادر شما، فرزند شما. شما آقایان بخواهید برای جامعه پدری کنید، شما خانم ها بخواهید برای جامعه مادری کنید. چقدر روح بزرگی می خواهد، یک نفر این طور شود؟ دلش برای جامعه مثل خانواده اش بتپد؛ ممکن هست؟!

« مهربان به جامعه، یعنی شهید چمران

در احوالات شهید چمران نقل شده است که «شب تاریک، هنگام بازگشت در میان برف زمستان، فقری را دیدم که در سرما می لرزد؛ ولی نمی توانستم برای او جایی گرم تهیه کنم. تصمیم گرفتم که همه شب را مثل آن فقیر در سرما بلرزم و از رختخواب محروم باشم، این چنین کردم و تا صبح از سرما لرزیدم و به سختی مریض شدم و چه مریضی لذت بخشی بود».^۱ آقای چمران! آخ آن پیرمرد به شما

کنند و در مهرورزی به یکدیگر، همکاری نمایند و به نیازمندان کمک کنند و با یکدیگر با عطف باشند تا همان گونه که خداوند عز و جل به شما دستور داده است، نسبت به هم مهربان و رحیم باشید و برای آنچه از امور آنان که از شما فوت شده است [و نتوانسته اید گرفتاری آنان را برطرف سازید و به وظیفه خود در قبالشان عمل کنید] اندوهگین شوید، درست همان طور که گروه انصار در زمان پیامبر خدا بودند. «کافی، ج ۲، ص ۱۷۴.

۱. کتاب مصطفی چمران؛ نگاهی به زندگی و زمانه شهید دکتر چمران، امیر صادقی

چه ربطی دارد؟ عزیزم! ربط دارد. رابطه اش مثل رابطه خونی است؛ بلکه بالاتر رابطه ایمانی است.

ای خدای من یعنی آدم می شود به این نقطه برسد؟ یک جامعه به این نقطه عالی در روابط انسانی برسد؟ بعد مگر می شود این جامعه را شکست داد؟ چقدر این آیه قرآن را جامعه ما جدی گرفتند؟ فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ فقط مؤمنین هستند که بایکدیگر برادرند.»^۱ این برادری ها، حقیقی است.

شخصی آمد پیش امام باقر علیه السلام گفت آقا! گاهی اوقات بی دلیل دلم می گیرد این قدر دلم می گیرد که خانواده ام از قیافه ام متوجه می شوند. حضرت به او فرمود دلیل این دل گرفتگی می دانی چیست؟ خداوند متعال در اول خلقت، گل مؤمنین را از یکدیگر خلق کرده است، روح آنها از یک جا خلق شده است. برای همین هست که مؤمن برادر مؤمن است و هر اتفاق و مصیبتی برای مؤمنین در هر جای این دنیا می افتد اثرش و غمش روی دل مؤمنین دیگر نمایان می شود؛ تَقَبَّضْتُ بَيْنَ يَدَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَبِّمَا حَزْنْتُ مِنْ غَيْرِ مُصِيبَةٍ تُصِيبُنِي أَوْ أَمْرٍ يَنْزِلُ بِي حَتَّى يَعْرِفَ ذَلِكَ أَهْلِي فِي وَجْهِي وَ صَدِيقِي فَقَالَ نَعَمْ يَا جَابِرُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَانِ وَ أَجْرَى فِيهِمْ مِنْ رِيحِ رُوحِهِ فَلِذَلِكَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ فَإِذَا أَصَابَ رُوحًا مِنْ تِلْكَ الْأَرْوَاحِ فِي بَلَدٍ مِنَ الْبُلْدَانِ حَزْنٌ حَزْنَتْ هَذِهِ لِأَنَّهَا مِنْهَا»^۲ چقدر ارتباط عمیق و واقعی و جدی هست. بچه های جبهه و جنگ، جدی گرفتند، خدا شهادت را روزی آنها کرد.

۱. حجرات، ۱۰.

۲. کافی، ۲، ص ۱۶۶.

بنابراین، این برادری، در حد حرف نیست، یک رابطه واقعی است و آثار عینی و عملی دارد. روابط اقتصادی ما را عوض می‌کند که توضیح خواهیم داد.

« مهم‌ترین مانع برای مهربانی جامعه

حالا چه مانعی وجود دارد که ما نمی‌توانیم با هم این قدر عالی روابط عاطفی داشته باشیم؟ حضرت فرمود: «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الصَّمَائِرِ فَلَا تَوَازَرُونَ وَلَا تَنَاصَحُونَ وَلَا تَبَادُلُونَ وَلَا تَوَادُّونَ؛ همانا شما برادران دینی یکدیگرید، چیزی جز درون پلید و نیت زشت، شما را از هم جدا نساخته است، نه یکدیگر را یاری می‌دهید، نه خیرخواه یکدیگرید و نه چیزی به یکدیگر می‌بخشید و نه به یکدیگر دوستی می‌کنید.»^(۱) اگر جامعه را دیدید که به همدیگر رحم نمی‌کنند، این قدر سطح عالی از روابط عاطفی بین آنها برقرار نیست، درون این جامعه، خباثتی و زشتی پنهان شده است. منیت‌ها مگر اجازه می‌دهد جامعه شما این طور زندگی کند؟

گاهی بی‌رحمی‌های وحشتناکی در جامعه آدم می‌بیند بعد شما توقع داریم خدا به جامعه که نسبت به همدیگر رحم نمی‌کنند، رحم کند؟ بیاید نهضتی برای مهربانی مدنی و رحماء بینهم راه بیندازیم. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمَزْحُومُونَ مَا تَحَابُّوْا...؛ مادامی که انسان‌ها با همدیگر بامحبت برخورد کنند مورد رحم و شفقت الهی قرار می‌گیرند.»^(۲)

۱. نهج البلاغه، خطبه، ۱۱۳.

۲. مشکات الانوار، ص ۵۲.



این برادری اولاً آثار اقتصادی دارد. یک نفر آمد پیش امام صادق علیه السلام بعد از سلام و علیک حضرت از او پرسید: «در شهر شما، رابطه بین برادران دینی چگونه است؟ کَيْفَ مَنْ خَلَّفَتْ مِنْ إِخْوَانِكَ؟» چه مسائلی برای حضرت مهم است؟! گفت آقا! بیست، کلی تعریف کرد. می خواست کم نیاورد بالاخره نماینده شهر خودشان بود. حضرت جزئی تر، شبیه این پرسش و پاسخ های میدانی و جامعه شناسی هست، حضرت از او پرسید: ثروتمندان از فقرا عیادت می کنند؛ کَيْفَ عِيَادَةُ أَغْنِيَاءِهِمْ عَلَى فَقَرَائِهِمْ^(۱) گفت: «آقا کم!» حضرت دوباره پرسیدند: «ثروتمندان از فقرا احوال پرسی می کنند؟» دوباره جواب داد کم. چهره این بنده خدا دیدنی هست هربار که حضرت می پرسد که روابط بین فقرا و ثروتمندان چگونه هست، آن جواب اولی که داده بود معلوم می شود واقعی نبوده است. حضرت پرسیدند: «فَكَيْفَ صَلََةُ أَغْنِيَاءِهِمْ لِفَقَرَائِهِمْ فِي ذَاتِ أَيْدِيهِمْ؛ چقدر ثروتمندان از فقرا دستگیری مالی می کنند؟»^(۲) گفت: «آقا! إِنَّكَ لَتَذْكُرُ أَخْلَاقًا قَلَّ مَا هِيَ فِيمَنْ عِنْدَنَا؛ شما یک اخلاقی را می گوید که بین ما کم هست» حضرت هم نگذاشت، نه برداشت فرمود: «پس چطور آنها می گویند ما شیعه هستیم؟ فَكَيْفَ تَزْعُمُ هَؤُلَاءِ أَنَّهُمْ شِيعَةٌ.»^(۳)

وقتی برادری شدی، باید پولت را تقسیم کنی، لباست را تقسیم کنی. مردی دیرتر به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا دیر کردی؟». گفت: برهنگی باعث شد، ای رسول خدا.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۷۳.

۲. همان.

۳. همان.

فرمود: «آیا همسایه ای نداشتی که دو لباس داشته باشد و یکی را به تو قرض دهد؟». گفت: بله، ای رسول خدا! فرمود: «او برادر تو نیست»؛ أَبْطَأَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص رَجُلٌ، فَقَالَ: مَا أَبْطَأَ بِكَ؟ فَقَالَ: الْعُرِّيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: أَمَا كَانَ لَكَ جَارٌ لَهُ ثَوْبَانِ يُعِيرُكَ أَحَدَهُمَا؟ فَقَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ ص: مَا هَذَا لَكَ بِأَخ.»^۱

« محبت امام، راهی برای عبور از مانع اجتماع قلوب

منافع شخصی مگر اجازه می دهد جامعه شما این طور زندگی کند؟ پس چه عامل قوی می آید این منیت ها، را دور می کند؟ امام و محبت به امام، آن عامل قوی است که این معادله را سامان می دهد و آن معادله منیت ها را برهم می زند، چیزی که در اربعین اتفاق می افتد.

حضرت فرمود تا وقتی که نتوانید دست در جیب همدیگر بکنید و به اندازه بردارید، آمادگی برای نصرت امام ندارید، «قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لَأَطَاعُوكَ وَاتَّبَعُوكَ فَقَالَ يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ لَا»^۲ یعنی آن برادری، آن علاقه عمیق بین مؤمنین، آثار اقتصادی دارد. بعد فرمود در ظهور دقیقاً مردم در این سطح از روابط انسانی هستند. مردم راحت دست در جیب همدیگر می کنند «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَايَلَةُ وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ» ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می شود. هر نیازمندی دست می برد و از جیب برادر ایمانی

۱. مصادقه الاخوان، ص ۳۶.

۲. الاختصاص، ص ۲۴.

اش به مقدار نیاز بر می دارد و برادرش او را منع نمی کند.^۱ حالا اربعین، چقدر راحت این زندگی که قرار هست در ظهور محقق شود را جلوی چشم ما به نمایش می گذارند با محوریت امام حسین علیه السلام. واقعاً محبت امام حسین علیه السلام، آنقدر قدرت دارد که ما را دور هم جمع کرده است.

« اربعین تجلی اجتماع قلوب »

شما می بینید موکب دار اربعین، تمام جیبش را سر راه زائر می آورد. شما راحت دست در جیب او می کنید، غذا می خورید، استراحت می کنید، برای شما چقدر خرج می کند؟ برخی از این موکب داران دقیقاً نصف درآمد ماهیانه را برای اربعین شما هر سال کنار می گذارد. بفرما، بخور، ببر نوش جان.

چیزی که در سبک زندگی غیر اربعینی، نیست. یا کمتر هست. الان زندگی که در غرب هست و متأسفانه در جامعه ما هم هست، چگونه زندگی است؟ جیب من و جیب تو دارد. اما در اربعین ما چگونه زندگی می کنیم؟ بعضی ها می گویند آقا این مدل زندگی فقط در اربعین هست، باشد اشکالی ندارد، تمرینش هم شیرین هست. شما در یک بازه زمانی ۲۰ روز، بیش از ۲۰ میلیون آدم بدون اینکه همدیگر را بشناسند، این قدر پذیرایی می شوند، این عجیب نیست؟!

بزرگ ترین اجتماع در تاریخ بشر، در اربعین محقق می شود. فقط اخبار این اجتماع بزرگ انسانی، درست و دقیق به گوش جهان برسد، توریست های جهان سرازیر اربعین می شوند ببینند اینجا چه خبر است؟



« چرا اربعین در سکوت خبری رسانه‌های غربی برگزار می‌شود؟ »

چرا اربعین در سکوت خبری رسانه‌های غربی برگزار می‌شود؟ برخی از رسانه‌های غربی از تعامل گزینشی در پوشش خبرهای راهپیمایی و زیارت اربعین حسینی ع‌ا‌س به شدت انتقاد کرده و نوشته بودند: «آمریکا و انگلیس در رابطه با اربعین دچار کوررنگی شده‌اند.» ایندپندنت هم در سال ۲۰۱۴ در گزارشی نوشته بود، رسانه‌های غرب با بزرگ‌ترین تجمع مسالمت‌آمیز جهان که باید در گینس ثبت شود گزینشی برخورد می‌کنند. «رادیو اوستون» از زیارت و راهپیمایی اربعین به عنوان «بزرگ‌ترین تجمع و راهپیمایی دینی و سیاسی در جهان» یاد و آن را «بی‌مانند» و «بی‌نظیر» توصیف کرده و تاکید کرده بود، «رسانه‌های غربی با نادیده گرفتن این تجمع بزرگ بشری از بیش از ۸۰ کشور جهان و با حضور و مشارکت بیش از ۲۰ میلیون نفر، مرتکب اشتباه و خطای حرفه‌ای می‌شود.» نشریه آمریکایی «هافینگتن پست» نیز یکی دیگر از این رسانه‌های غربی بود که به شدت از پوشش سیاسی این مراسم توسط این رسانه‌ها انتقاد کرده است. این نشریه از اصحاب رسانه در غرب می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهند که «چگونه است، آنها کوچک‌ترین تجمع و راهپیمایی در انگلیس و یا صدها تجمع محدود در کشورهای مختلف جهان را نادیده نگرفته و از آن ده‌ها فیلم و گزارش و تحلیل و تفسیر تهیه می‌کنند، در حالی که این تجمع خروشان و مسالمت‌آمیز بشری را نادیده گرفته و از آن

بی تفاوت و در سکوت مطلق می گذرند.»^۱

معلوم هست که آنها سکوت می کنند، آنها لال هستند، کر هستند، کور هستند. اما ما باید این سبک زندگی اربعین را ببریم در جامعه خودمان جا بیندازیم. خیلی روشن بگوییم، آیا ما حاضریم، برای جامعه خودمان، دست در جیب همدیگر بکنیم؟ یا جیب من و تو دارد؟! بین خودمان «حساب حساب کا کا برادر» داریم؟!

« با مؤمنین با انصاف برخورد نکن با ایتار برخورد کن »

فرمود: «با بقیه مردم حساب حساب کا کا بردار داشته باشد، با انصاف و دقت برخورد کن اما با جامعه ایمانی چطور؟ با گذشت مالی برخورد کن؛ عَامِلٌ سَائِرِ النَّاسِ بِالْإِنصَافِ وَ عَامِلٌ الْمُؤْمِنِينَ بِالْإِيتَارِ»^۲

اگر محبت به امام در جامعه افزایش پیدا کرد، این جامعه راحت می تواند به برادران و خواهران دینی خودش اجازه دهد به خاطر محبت امام دست در جیب او کنند. کدام نهاد فرهنگی است که برای قوی شدن محبت امام در جامعه کار می کند؟ حل مشکلات اقتصادی، راه حل های مختلفی دارد، ای کاش روی این راه حل هم در جامعه ما فکری می شد. چه سازوکاری را ترتیب بدهیم، محبت به امام در دل ها افزایش پیدا کند بعد مردم راحت به مشکلات اقتصادی همدیگر دل سوزی می کردند. این طرح قابل تأمل است. حضرت فرمود: «فلانی! رسیدگی مالی شما چطور است؟ گفتیم آقا خوب هست. حضرت فرمود: دست در جیب همدیگر می کند

۱. روزنامه کیهان، بزرگ ترین اجتماع در تاریخ بشر، ۲۸ آبان ۱۳۹۵، دسترسی در: »

<https://kayhan.ir/fa/news/90730>

۲. غرر، ص ۳۹۴.

به اندازه نیاز بردارید؟ گفتم آقا این قدر که نه! حضرت فرمودند اگر این طوری زندگی می کردید، نیازمند نمی شدید؛ يَا حَجَّاجُ كَيْفَ تَوَاسِيكَمُ قُلْتُ صَالِحٌ يَا بَا جَعْفَرٍ قَالَ يُدْخِلُ أَحَدُكُمْ يَدَهُ فِي كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ إِذَا احْتَأَجَّ إِلَيْهِ قُلْتُ أَمَّا هَذَا فَلَا فَقَالَ أَمَّا لَوْ فَعَلْتُمْ مَا احْتَجْتُمْ.^(۱) حرف آخر حضرت خیلی راهبردی بود. اگر این طور زندگی می کردید، جامعه فقیر نمی شد. این یک راهبرد هست. حالا چطور مردم را به این سبک زندگی دعوت کنیم، فرهنگ سازی کنیم؟ هرچقدر شما به محبت امام حسین علیه السلام دعوت کنید، این محبت را تقویت کنید، آن سبک زندگی راحت تر محقق می شود.

در ظهور دقیقاً چه اتفاقی قرار هست بیفتد؟ در ظهور زندگی این طوری می شود. آن آقا می گوید پیش امام صادق علیه السلام بودم که سهیم کردن برادران در مال و حقوق واجب آنان را ذکر نمود. من چنان از [فراوانی و سختی] آن حقوق، رفتم داخل فکر که امام آن را در چهره ام دید و فرمود: «آن، تنها هنگام قیام قائم است که بر آنان واجب است که برادرانشان را تجهیز و آنان را تقویت کنند؛ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَذَكَرَ مَوَاسَاةَ الرَّجُلِ لِإِخْوَانِهِ وَ مَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهِمْ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ فَقَالَ إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَ جَبَّ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهِّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَأَنْ يُقَوُّوهُمْ»^(۲)

این نسخه شفابخش بخشی از این مدل زندگی کردن قبل از ظهور می تواند محقق شود؛ اگر بخواهیم. واقعش این است که دین داری بیش از اینکه نیاز به علم داشته باشد نیاز به عمل کردن دارد. حضرت فرمود: «وَ أَعْلَمُ أَنَّ قَلِيلَ الْعِلْمِ يَحْتَاجُ إِلَى كَثِيرِ الْعَمَلِ

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. مصادقه الاخوان، ص ۳۶.



لَاِنَّ عِلْمَ سَاعَةِ يُلْزَمُ صَاحِبَهُ اسْتِعْمَالَهُ طُولَ دَهْرِهِ؛ بدان که یک علم کم، نیاز به عمل زیاد دارد چرا که علم را لحظه ای تو یاد می گیری ولی باید یک عمر به آن عمل کنی.^۱ این نسخه شفافبخش مشکلات جامعه هست. خیلی ساده و روشن، کدامیک از ماها حاضریم به این نسخه عمل کنیم؟ کدام ستاد سیاست گذاری اقتصادی در انقلاب ما حاضر هست به این نسخه عمل کند؟ حداقلش این هست که اربعین را تقویت کنیم. چون اربعین یک مدل از این نوع زندگی کردن است. نمی دانم چه باید بکنیم؟ به ملت وام بدهیم بروند به اربعین؟ به ملت یارانه بدهیم بروند به اربعین؟ چه کار کنیم طمع این نوع زندگی کردن در کام همه مردم ما قرار بگیرد؟

« مشتری ظهور می شوی؟! »

انگاری در اربعین، خدا یک گوشه از زندگی در زمان ظهور را به ما نشان می دهد، ببیند ما مشتری می شویم یا خیر؟ دیدی مغازه میوه فروشی می روی، بعد برای شما یک قطعه پرتقال یا هر میوه دیگری را قاچ می کند و می برد و می گوید بسم الله ... می خواهد شما را مشتری خودش کند.

خدا در اربعین، گوشه خیمه امام زمان (عج) را برای شما بالا زده است، بین اینجا چه خبر هست؛ نمی خواهی مشتری ظهور باشید؟ اربعین رفتی زندگی در اربعین را کیف کردی؟ دیدی آخر اربعین، آدم دل نمی کند از این زندگی، اشک میرزد دلش می خواهد همیشه در اربعین زندگی کند؛ انگاری خدا می فرماید: «مهدی من، بیا

چنین زندگی را برای شما رقم می زند؛ دلت نمی خواهد این طور زندگی کنی؟ همین حوالی، دولت مهدی ام را برقرار می کنم»
راستی دوستان! از اربعین، بو و عطر ظهور به مشامت می رسد؟ یعقوب نبی را دیدی چه گفت؟ گفت: «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تُقَدِّدُون؛ من بوی یوسف را احساس می کنم، اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت ندهید!»^۱ رفقا! از اربعین، بوی پیراهن یوسف به مشام شما نمی رسد؟! منطقش را که گفتیم.

«مهم ترین شباهت زندگی به سبک اربعین با زندگی در عصر ظهور»

شباهت زندگی به سبک اربعین، با زندگی در عصر ظهور چیست؟ مهم ترین شباهت در اوج بودن روابط انسانی و عاطفی، به حدی که مردم حاضر می شوند با دل و جانشان از جیبشان بگذرند به خاطر محبت به امام همان چیزی که حضرت شرط دیدار خودشان را بیان کردند؛ یعنی اجتماع قلوب حول امام.

«اجتماع قلب ها، رمز ظهور»

اگر سطح روابط عاطفی بین انسان ها، در یک جامعه این قدر بالا رفت بعد شما ببینید حضرت تشریف فرما می شوند یا خیر؟ از ما اجتماع قلب ها خواستند، فرمودند: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا؛ چنانچه شیعیان ما- خدا به طاعت خود موفّقشان بدارد- قلباً در وفای



به عهدشان اجتماع می شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد. که سعادت مشاهده ما با شتاب بدیشان می رسید.^(۱) شرط دیدار، اجتماع دل ها هست حول عهدی با امام بستند. اجتماع دل ها برسد به سبک زندگی ما، به اقتصاد ما، آیا ظهور محقق می شود یا خیر؟

« امام مهم ترین عالم پیوند جامعه

امام قوی ترین عاملی است که یک جامعه را پیوند ناگسستنی می زند. اصلاً اصل کار امامت چیزی جز این نیست؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «امامت می آید، نمی گذارد جامعه پراکنده شود؛ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ»^(۲)

شما دور امامت جمع می شوی، امامت شما را دور خودش جمع می کند. این اجتماع قلبی است، این اجتماع دلی است وگرنه اجتماعی که دلی نباشد، اجتماع نیست، به قول امیرالمؤمنین «لَا غَنَاءَ فِي كَثَرَةِ عَدَدِكُمْ مَعَ قَلَّةِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ؛ تعداد زیاد شما چه بدرد می خورد وقتی که دل ها شما زیاد دور هم نیست.»^(۳) زیر ساخت زندگی به سبک اربعین، اجتماعی دلی است. تا این اجتماع دل ها اتفاق نیفتد اصلاً نوبت به یک زندگی انسانی نمی رسد.

« ولایت طاغوت، آدم ها را قسی القلب می کند

بلایی که نظام سلطه بر سر جوامع می آورد چیست؟ به جای اجتماع دل ها، در جامعه نفرت پراکنی می کند همان کاری که

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۹.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹.

شیطان انجام می دهد.^(۱) ای کاش میزان و آمار و ارقام خشونت در غرب را صریح و شفاف می گفتند بعد این واقعیت را می فهمیدیم که غرب وحشی است یا متمدن؟

ولایت طاغوت، آدم ها را قسی القلب می کند، دل جامعه را مثل سنگ سخت می کند. می خواهیم بگویم چرا امام سجاد علیه السلام فرمود: «امان از شام؛ امان از شام». مردمی که زیر چتر حکومت بنی امیه تربیت شده اند، اینها قسی القلب هستند. اینها بدترین کارها از دستشان بر می آید. فقط یک سه ساله هست که می تواند این فضای نامهربان را تبدیل به یک فضای مهربانی بکند. گفت بابا! اما چه جوابی شنید؟

نیمه شب بود که درهای اجابت وا شد
یوسف گمشده دخترکی پیدا شد
آن که همراه سخن هاش همه لکنت بود
چون که چشمش به پدر خورد زبانش وا شد
چون که عطر پدرش را به خرابه حس کرد
یا علی گفت و به صد رنج ز جایش پا شد
هاتفی داد ندا چشم تو روشن خانم!
آن که می گفت نداری تو پدر رسوا شد
رفت و تا روز جزا بهر تسلا ی یتیم
شام بدنام ترین نقطه این دنیا شد
سوره کوثر این قافله را دق دادند
باز هم زینب غمدیده ما تنها شد.^(۲)

۱. مائده، ۹۱.

۲. شاعر: محمد حسین رحیمیان

• گفتار پنجم: «مقاومت، شعار زیارت
اربعین ما»

« مقاصد زیارت اربعین: ۱ و ۲ - تقرب جستن به خدا و مودت به رسول خدا ص

بعضی‌ها به ما می‌گویند: «می‌خواهم بروم کربلا. چه کار کنم؟» می‌گویند: «ما می‌خواهیم برای امام حسین علیه السلام پیاده روی کنیم. توصیه‌ای کنید که چه کار کنیم و چه کار نکنیم» یکی از این «چه کار کنیم»‌ها می‌شود خدمت. هر چیزی که تو را به خدا نزدیک کند، می‌شود دستورالعمل قبل از زیارت. «تَقَرَّباً مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ» یعنی زیارت و آبادانی مشاهد شریف حرمهای امامان معصوم (علیهم السلام). اولاً باید ما را به خدا نزدیک کند یعنی به این انگیزه باشد ثانیاً مودّت به رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) را ثابت کند. مفهوم مودّت هم یعنی محبتِ توأم با پذیرشِ امامت و رهبری رسول الله. بعد می‌فرماید: «أُولَئِكَ يَا عَلِيُّ الْمَخْصُوصُونَ بِشَفَاعَتِي» من حتماً کسانی را که با این انگیزه‌ها می‌آیند، شفاعت

میکنم. «الْوَارِدُونَ حَوْضِي» اینان وارد میشوند بر حوض کوثر. «وَهُمْ زَوَّارِي غَدًّا» اینها همه زائران من هستند فردا در بهشت. «يَا عَلِيُّ مَنْ عَمَرَ قُبُورَكُمْ وَتَعَاهَدَهَا فَكَأَنَّمَا أَعَانَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ ع عَلَى بِنَاءِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ» (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰۷) هر کس آباد کند قبور شما را و بیاید و برود و سختی بکشد، مثل این است که بنا گذاشته بیت المقدس را؛ آن هم کمک سلیمان نبی فرزند داود.

« ۳ و ۴ - نیکی به ائمه و اتصال به ولایت؛ یعنی با ولی یکی شدن

امام صادق علیه السلام بعد از نمازشان گریه میکنند و بعد، دعا می-کنند برای خودشان و زوار امام حسین علیه السلام «اغْفِرْ لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ لِزَوَّارِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ ع الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَ أَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرِّنَا وَ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا» باز اینجا امام صادق (علیه السلام) دارند انگیزه می‌شمارند. اینها را هم میتوانید در آن دو بخش اول- دو اصل اساسی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود- قرار بدهید؛ ولی خود این باید برجسته [باشد و به آن] توجه شود. جزئی است که خیلی مهم است. امام صادق (علیه السلام) با اشک، در خانه‌ی خدا عرضه میدارد که گناهان زوار قبر امام حسین (علیه السلام) را ببخش! کسانی که اموالشان را خرج می-کنند و خود را به مشقت و سختی می‌اندازند برای این زیارت. «رَغْبَةً فِي بَرِّنَا» (کافی، ج ۴، ص ۵۸۲). بخاطر آنچه نزد خداست، خدایا ببخش برادران و زواری که به امید آنچه نزد توست در اتصالشان به ما، به زیارت آمده اند. به خاطر اتصال به ولایت، با ولی یکی شدن. به زیارت بروم این یک انگیزه‌ی الهی و معنوی برای عمومی کردن

زیارت است. تازه خودِ اتصال به امام هدف نهایی زندگی نیست. اتصال به امام، برای این است که امام دست ما را میگذارد در دست خدا. دوباره برمیگردیم سرِ آن انگیزه‌ی اولیه؛ یعنی قرب الهی. «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ». (مائده، ۳۵)

« ۵- فرمان گرفتن و اجابت فرمان امام

«وِاجَابَةٌ مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَغَيْظًا أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا» (کافی، ج ۴، ص ۵۸۲). زیارت اتصال شما فقط به امام نیست؛ بلکه اجابت امام هم هست. ممکن است کسی خیلی به امامش؛ نزدیک باشد اما سر بزنگاه اجابت نکند. آقا برای چه داری میروی حرم امیرالمؤمنین؟ میخواهم بروم، به اینجا برسم که اهل اجابت امر امامم بشوم سر بزنگاه. اصلاً من آمده‌ام اینجا زیارت برای اینکه فرمان بگیرم و بروم. ببینید! این انگیزه است! فرمان گرفتن و اجابت فرمان کردن! ببینید چه اتفاقی میافتد اگر این ۲۰ میلیون بگویند: «امام حسین! ما آمده‌ایم فرمان بگیریم!» این میشود مفهوم آن لبیک؛ یعنی دستور گرفتن از آقا.

« ۶- استکبار ستیزی : میروم زیارت تا امریکا و انگلیس را عصبانی کنم!

«وِغَيْظًا أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا» (کافی، ج ۴، ص ۵۸۲) من می-روم زیارت تا عصبانی کنم دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) را. آقا! اینها به زیارت حساس شدند. مثلاً اگر هر سال یک بار می-رفتیم کربلا، سال بعد دو بار برویم کربلا. می‌رویم حرم امام علی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) می‌رویم زیارت تا چشمشان در

بیاید. خودِ این می شود یک انگیزه! چقدر فرق میکند! اصلاً آن زیارت فرق میکند. اثر زیارت و معنویتِ آن فرق میکند. وقتی تو میگوئی من برای درآوردن حرص آمریکاییها و اسرائیلیها می روم زیارت، حرص انگلیسیهای لجنی که این قصه‌ی وهابیت را دامن زدند و اختلاف شیعه و سنی را راه انداختند. را در بیاروم . دشمن اهل بیت (علیهم السلام) الان کیست؟ اگر انگلستان نجس و وهابیت کثیف نیست، پس کیست؟! اگر آمریکا دشمن اهل بیت (علیهم السلام) نیست، پس چه کسی است؟! اگر اسرائیل دشمن اهل بیت (علیهم السلام) نیست، پس چه کسی است؟ این همه شبکه‌هایی که ضد تشیع کار میکنند، پولشان را چه کسانی دارند میدهند؟ خب اگر آمریکا این پولها را نمیدهد، چه کسی دارد این پولها را می دهد؟ اگر آمریکا دارد پولش را میدهد، این، عداوت با اهل بیت (علیهم السلام) است یا نه؟! اگر عداوت میکند، امام می فرماید تو که به زیارت میروی باید به نیت عصبانی کردن او بروی. بعد تو میگوئی که این داخل کردن امام در سیاست است؟! که مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) مسئولان هیأت رزمندگان را جمع کند نه فقط هیأت رزمندگان، بلکه تمام هیئتها و بگویند که هیئت نباید سکولار شود؟!

« رنگ و بوی مقاومت در زیارت اربعین ما

امسال زیارت اربعین ما باید رنگ مقاومت بگیرد، این زیارت دشمن را ناراحت می کند. امروز مقاومت حرف تازه برای جهان هست، همهٔ عالم دوباره چشم دوخته تا ببینید چگونه مقاومت

بساط ظلم را از جهان جمع می کند، گوش های شنوایی پیدا شد که از مقاومت بیشتر و بهتر بشنود. باید این فرصت طلایی را قدر بدانیم، که با شهادت رهبر مقاومت یعنی اسماعیل هنیه، مقاومت را به عنوان عنصر تمدن ساز به جهان معرفی کنیم.

مقام معظم رهبری در آخرین دیدار با شهید اسماعیل هنیه فرمودند: «امروز بلندترین پرچم اسلام در دست ملت فلسطین و مردم غزه است و به برکت این مقاومت زمینه ترویج بیش از پیش اسلام فراهم آمده است.» چگونه این اتفاق افتاده است؟ با مقاومت.

از زمان آغاز عملیات طوفان الاقصی از سوی مقاومت فلسطین و تهاجم رژیم صهیونیستی به غزه، آمار گرایش به دین مبین اسلام در اروپا، چهار برابر افزایش یافته است. طبق گزارش منابع خبری این افزایش درحالی است که بیشتر افراد گرایش پیدا کرده به دین اسلام، ترجیح می دهند شیعه شوند. انتشار تصاویر بمباران مناطق مختلف غزه، قدرت ایمان مردم فلسطین، و همچنین برانگیختگی مردم جهان علیه جنایات رژیم صهیونیستی، هزاران غیرمسلمان را مشتاق این کرده تا شروع به خواندن قرآن کنند.^(۱)

دوران ایسم ها و مکاتب و نظاماتی که مدعی بودند ما جهان را مدیریت می کنیم ما منجی هستیم گذشته، امروز مقاومت فصل جدیدی را برای جهان رقم می زند و چشم انداز نوبی را به روی جهانیان باز کرده است. اربعین امت مقاوم در مقابل مستکبرین عالم را باید به نمایش بگذارد و دفاع از مظلوم را.

۱. خبرگزاری ابنا، دسترسی در: «<https://fa.abna24.com/story/1453211>»

« جبهه مقاومت از اربعین تا دانشگاه های آمریکا »

امروز جبهه مقاومت از اربعین تا دانشگاه های آمریکا عمق پیدا کرده است. رهبر معظم انقلاب در نامه شان به جوانان غربی و آمریکایی نوشتند: «این نامه را به جوانانی مینویسم که وجدان بیدارشان آنها را به دفاع از کودکان و زنان مظلوم غزه برانگیخته است. جوانان عزیز دانشجو در ایالات متّحدهی آمریکا! این، پیام همدلی و همبستگی ما با شما است». این ادبیات در تاریخ انقلاب اسلامی بی نظیر است. نامه قبلی رهبر معظم انقلاب خطاب به عموم جوانان اروپا بود. اما نامه اخیر مستقیم خطاب به جوانان آمریکاست. ایشان با دانشجویان آمریکایی اعلام همدلی و همبستگی کردند. گفتند: «شما اکنون در طرف درست تاریخ که در حال ورق خوردن است ایستاده اید». به جوانان آمریکایی می گویند شما جزو بخشی از سرنوشت تاریخ هستید که حق است و باقی می ماند. اینها هنوز مسلمان نشده اند، در جبهه حق هستند؟! بله. ملاک جبهه حق، دفاع از مظلوم است. کسیکه از مظلوم دفاع کند، در جبهه حق است؛ حتی اگر مسلمان نباشد.

خیلی ها که در برابر این نامه سکوت کرده اند، چون این حرفها را نمی فهمند. تا بحال یک قدم برای هدایت جوانان غربی برنداشته اند. بعد می بینند جوانان دانشجوی آمریکایی بخاطر دفاع از مردم فلسطین اعتراض می کنند و زندانی هم می شوند. دانشگاههای چهل هزار نفری ما، در حمایت از دانشجویان آمریکا تجمعات چند صد نفری تشکیل می دهند. ۹۰ درصد دانشجویان نسبت به این مسئله بی تفاوتند. دانشجویان آمریکا وقتی از مردم فلسطین

حمایت می کنند، نه تنها دستگیر می شوند، بلکه از ادامه تحصیل و از پست های دولتی هم محروم می شوند.

ایشان گفتند: «شما اکنون بخشی از جبهه ی مقاومت را تشکیل داده اید». دانشجویان آمریکایی جزو جبهه مقاومت هستند؟! بله. وقتی امام حق می خواهند همه مقابل این ظلم بایستند، هرکسی که مقابل این ظلم بایستد، امر ولی حق را اقامه کرده؛ پس در جبهه حق است. جریان دانشجویی غرب، حاکمیت جبهه طاغوت را بی اعتبار کرده. جنگ بین امام حق و امام باطل است؛ جنگ بین حاکمیت حق و حاکمیت باطل. همان جنگ اصلی که از روز اول بوده و تا روز آخر هم ادامه دارد. الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ (نساء ۷۶). ما کجای این جبهه هستیم؟

« استکبارستیزی حقیقت دین ماست

استکبارستیزی حقیقت دین ماست. استکبارستیزی یک مسئله سیاسی متولد شده با انقلاب اسلامی ایران نیست. قدمت این مسئله به زمان خلقت آدم برمیگردد: اَبی وَ اسْتَكْبَرَ. امروز آمریکا شیطان اکبر است. سید حسن نصرالله امروز گفت آمریکا مانع آتش بس است. اسرائیل هم بخواهد بمباران را تمام کند، آمریکا اجازه نمی دهد. بمب های ناپال که از زمان جنگ ویتنام برورسانی شده، نیاز به آزمایش دارد؛ چه جایی بهتر از غزه؟! آمریکا محکم پای کشتار مردم غزه ایستاده.

اجازه ندهید برخی مقدس مآب ها خود را از استکبارستیزی کنار بکشند. به آنها بگوییم که شمایی که استکبارستیز نیستید و از

مردم مظلوم غزه حمایت نمی کنید، دین ندارید. اسامی هشت هزار شهید غزه را اعلام کرده اند؛ در یک نمودار بعد از پیامبر حدود ۷۹ درصد آنها اسمشان «علی» است. بعد اسامی زهرا و حسن و حسین بیشترین تعداد را دارد. آنوقت مقدس مآب ها در قم می گویند اینها ناصبی و دشمن اهل بیت هستند. در ذهن عده ای خشکه مقدس دروغی را جا انداخته اند، آنها هم تکرار می کنند. اگر هم این آمار را به آنها بگویید، می گویند دروغ است! نمی توانند قبول کنند. خدا بر قلب آنها قفل زده.

مردم نباید فریب بخورند. باید مردم را روشن و آگاه کنیم. با مردم کار داشته باشیم؛ با مردم حرف بزنیم. از خون دفاع کنیم، و الا خون مظلوم دامن ما را می گیرد. رهبر معظم انقلاب گفتند کسیکه اخلاصش بیشتر و ایمانش قوی تر است، زجر بیشتری هم می کشد. او لایق می شود پرچم دین و مبارزه را بلند کند. فاطمه سلام الله علیها از همه به علی علیه السلام نزدیک تر است، که لایق زجر بیشتر در راه خدا می شود.^۱

« خدا از چنین زیارتی راضی می شود »

پس زیارتی که دشمن را ناراحت می کند چنین زیارتی است و حضرت فرمود من از شما چنین زیارتی را می خواهم بعد حضرت میفرماید چرا باید دشمن ما را عصبانی کنید: «أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ فَكَافِهِمْ عَنَّا بِالرَّضْوَانِ» (کافی، ج ۴، ص ۵۸۲) چون خدا اینگونه راضی میشود. خدا از زیارتی خوشش می آید که داخلش اجابت امر

۱. احمد پناهیان، هیئت محبین اهل بیت (علیهم السلام)، دسترسی در: <http://mohebbin.net/>

ولی باشد؛ خدا از زیارتی راضی میشود که داخلش عصبانی کردن دشمن باشد؛ این کلام امام صادق (علیه السلام) است.